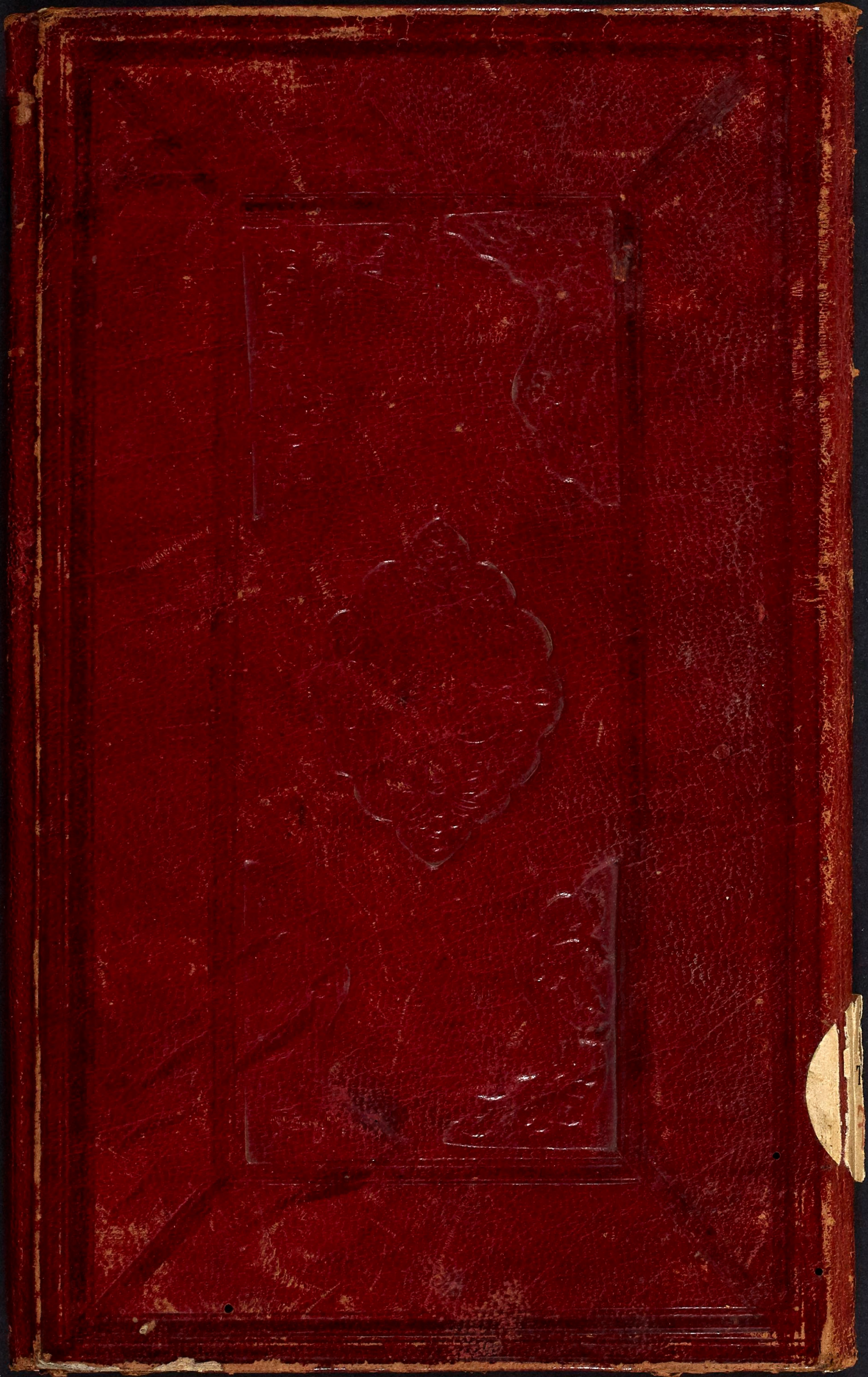
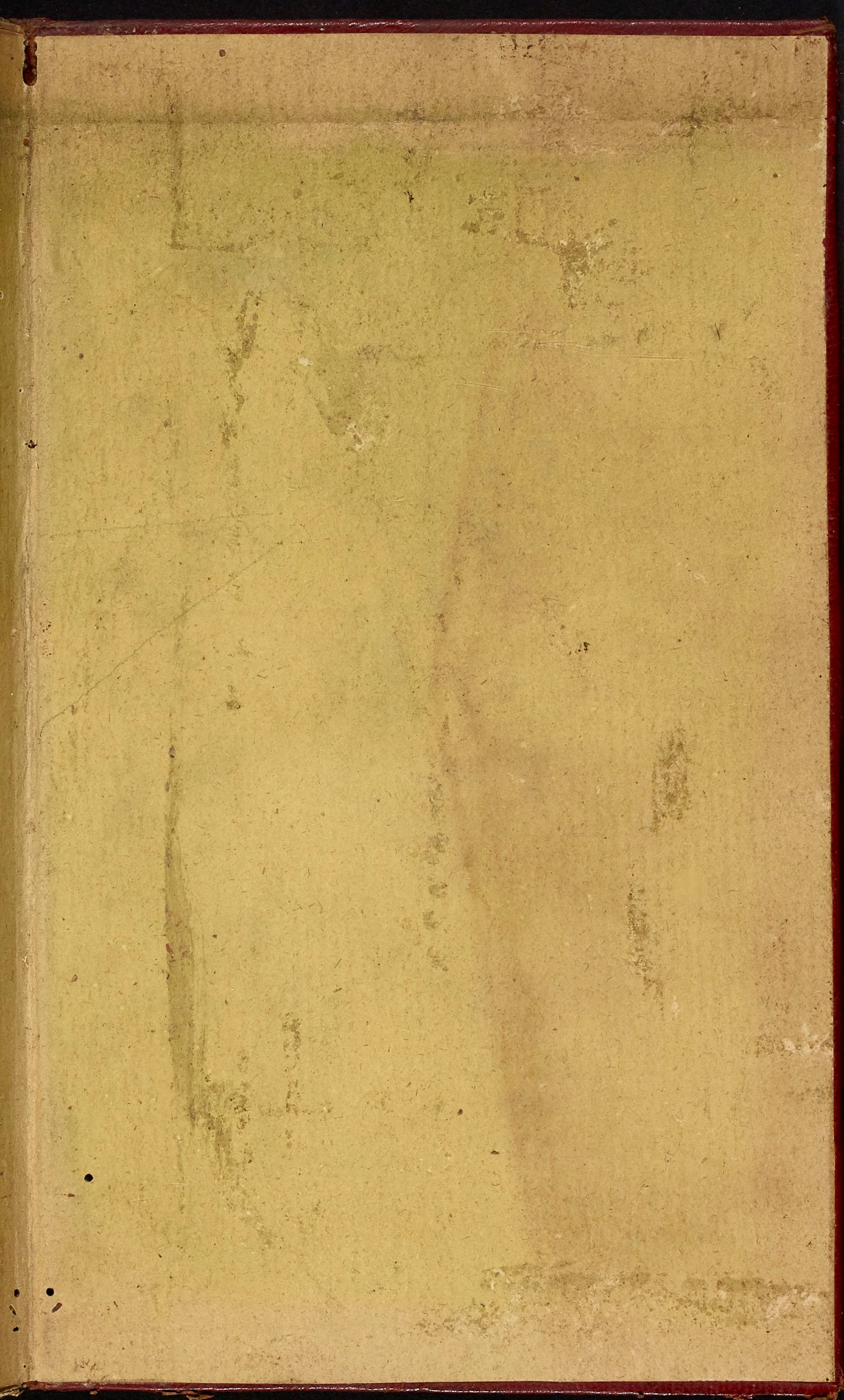


Ms
TURC

210







300h

70

حکم
غف
۲۲

۱۴۰



تحریر
ابن
indubricat

تاریخ آفرغانی
سلطان
میرزا

نکته

من کتاب العبد الفقیر
عفی عنہا

تاریخ سلطنت

من کتاب العبد الفقیر
عفی عنہا

Conquête de Suquet par Sulvan
Suliman et mort du d^{er} Empereur
à l'usage de l'usage de
Seigneur de Langue
France

N^o 141

۴۱
۳۶
۵۹
۴۸
۱۷
۱۱۳

الهی
میرزا
سلطان

سنگ ارنای

الله لطیف بعباده • تجلّت ذاته • وجلّت کلماته • اولد که
 و جاّهد وانی سبیل الله حقّ جهاده • آیتنی انزال و افهام
 و جهاد و سرافرمان ذوالجلالی ایدوکن اعلان و اعلام سیو
 تاجداران غزایسته • و خدیوان هدایت اندیشه
 اسباب امتثالی آماده • و صحیفه اعتقادی سنجیده بشکوک
 و طنونذن ساده • قلوب کهار بدکردار خذلهم الله الی یوم
 الحساب که خراج گذار • و او امر اولو الامر له فرمان برار
 اولمیر اول طایفه فخره • اولئک هم الکفرة • زور بازو
 جهادله یا مال • و نیروی غزاة حیدر نژاد له مشور

۸
الاحوال قلوب کبریا کج از خاں بیطارضه
روان و حیف نسج و طوده نمایان اوله سینه راه
کشتور آرای متین و انکار حضرت نمای صین لری
تعلق ایدوب مرایای آن الله عزیز ذوانتقام
مزایای چهره شای صور افتام اولو کج تیغ شجاعتی
در میان و نیز تنیز شهامت کمان بی کمان بمکر نده
بسته دنان ایدوب شیان کارزار و هنر بران مردم
شکار له قلو لری قلو و خلعت ارجلری خلعه
خصوصا قیام و تحریب عام سمندر نه گوشش
و ممکن اولدچی غیرت اسلام و عادات اولیا کرام
وزرش قلوب نشیمن حضور و پیرامن جبور لر نیده
سهای طیار سیونی تبار رمای خطار طوب
و تعنی آتشبار اندو کلرندن ماعد شیر آن مردم

و نه بران بشه پیکر ^{کسم} سایشگر فی خاسته و
 اسباب رؤیشگر فی زیر وزیر قلوب معموره الاطراف
 و ضیاع محفوظه الاکناف خرابه بیاب و کله پیکله
 خنازیر و کلاب زخم خورده سیوف آتش تاب اولوب
 جنود بناله حطه شاحطه لرینی ویران چشم چشم
 رحاله اماکن ساقط لرینی بی بنیان ایملدن خالی اولمیه ^{نظم}
 خدای کرم یاور فرمان او غرای شمان محض احسان او
 دلیران رستم کجمانان جنگ فشانندگان جناح جنگ
 نه بران سپهر پیکر ان دین قضا پیران پهن پشت کین
 همه نور بازو دنیسم وی تن ستانند و خواهند از ان ^{المن} ذو
 مقام حقا برقا در توانا و قوی شیر العطایا
 در که سلیمان مسند نشین تحت باد آورد اوزره مکن
 و گروه بی شکوه ضلالت قرین سخن آن خاتم نعت

۵۳
نکین • اوله سی رادت قدیمه • ومشیت قویمه • منه دایر در

لاسیما هفت مجلس سما • وشت بهشت ماوا • سایی

شبا هنک • وهفتورنگه پر نور • وشیای جبا غلمان

و حورله بیقصور • اولدوغی کمال قدرتشدن بیدا

ونوال معرفتدن هویدا • ایدوننده ریب یوقدر **نظم**

قدرتی خسته جان ویری قوتی صحت و توان ویری

روی زردیکه سیم که کوره هر نه ویردیر اکان ویردیر

کمینی ایتدی شاه فرمان آن حکمتی حکمه نشان ویردیر

کمینی قلیدی شیره شیشه جنک الدننه خوفشان ویردیر

پیکر هن اولیسل کبی حالاک ایده فراره قدرتن ادرک

نظم حمد بی سطر • دنیایش خفی و سیر • هر و جهله

نکته • و خضوع و خشوعه توفیر • اولدقدن هر کوره **نظم**

رسول قریشی ملج الکلام محمد علیه السلام التمام

۱
لغز والمجد والعتلا • هو الشمس والشمس بدر الدجا

کثیر اکرامات والمخزات • نزولاً صعوداً علیه الصلوات

نثر خصوصاً بدور بدور دور • وصدور صدور دور

اولاد موفور الحبور • رضوان الله عليهم الیوم النشور

وانزواج محضات • ارواح قانات **نظم**

ایم الله احسن المبحر • اجمل الجمهر کمل السحر

ضی الله ربنا من • بضاء بدنا منهن

نثر وچار یار کزین • واصحاب جاب شین • رضوان الله علیهم **نظم**

پیشانی یک مجلس صلوات سلام • بیابان کونشیت و کوهر حرام

خوریم و در که وصف حدیث بیسم • دوم مجلس بزم غزایاریم

جلسه شانی صاحب قرآن زمان خضر ترنیک انواع

زیب و ریت واصناف شکوت عساکر نبی سینه

غزیمتری و منزل اولده استر احتلری بیاننده

درین

۱۴
بر صبح بهروز نوآنی • و روز فیروز انجم ستانی • که
مچه لواء نه رواقی • بیداء مینا نمایی آسمانی ده پیدای •
و طراز سرفراز سبع طباقی • فضایی سر بلند و
والاده • سرو بالا کی انکشت نما • اولوب غما کوناکون
شفق میر • شبنمک و سرخاب کیا بظیر • و قسطاس
اشعه مهر نیر • جلوه گاه خفاده طاهر و مستنیر • اولغله
عساکر ملایک کرده • زیب زینت الوده • و دساکر
ارایک شکوه • انواع کر و فرله شکوت روده • اولدقده
اول شهریار کشورستان • و کامکار غصنفر توان •
مهر پهر نعت سعد • و ماصدق فخرای سلیمان نعم
العبد • اعنی به سلطانین غراکت سرفروانی • حضرت
سلطان سلیمان خان عازی که • ساحه بی ساحه
همتی • انظار شیمان تو معدن دور • و باخه اباحه نعتی

فخوای شریفنی تلخیص و تفسیر و بیان ایلد کلرنده **نظم**
بفرمود شاه سلیمان سریر کند مشکباری بیان دبیر
جیوشش نهر بران روی کرده برآید بسختی جواله زکوه
دلیران درین بار آورند چو شیران غنّه کار آورند
نثر بومثال اوزره میران نامدار • و میره آتاش قوی
الاشتهار • طر فکریه مناشیه طوشتان • و طوایر
شهامت رسان • انما اولوب تنبیه حاضره • و پای
بست محاصره • انما مندن مکره سرداران فرمان بران
و سرداران عتبه کیتی ستان • فرادا فرادا • افعل
ما توئم • صدالرنی اصعا • صدودنم ایکن • اولاد یار دیار
شکار • و شهرسوار ممالک کداز • سده ثلث و
سبعین و شصت یاه • شوالنک طغوز بچی کونی که پخشند
ایدی • آفتاب جهان کبی منر نی تبدیل • و دار

و دارالدوله السنيه محمديه قسطنطينيه دن فتح برج و نصرت

کوتیل • مراد ایدند کلر سیده • قبل طلوع الشمس • دستوران

مدبران خمس • اعنی شتر بیشه تدبیر • و دیلر پیشه

طهریه • مصاصم قصبه جهانداری • و ضرغام قلعه فرمان کزاری

مشاطه غریب هفت اقلیم • وزیرت آرای نجاس

عدالت نعیم • حرم سر پرده جاہ و جلال • واعلم سرایر

سراقات اقبال • سزاوار مضمون فاخته کبلا

وزیر کبیر اصف صفا • حضرت محمد پاشا

باغ عدلنده پادشاهنک • طوغیر سر و کسی و الله

کور و بانک صدیقی صحن • عرض مہر ایلدی جہان شاهی

دستور مسرور روشن رای • وزیر منور درون

کشور شای • شمع بزکاه سکر صائب • و لمعه پر شمع

بخم ثاقب • نیم برج دکان • پرتو پاشا • و عالی مقام • و

ضرغام
ارسلان

شیرین کلام • کوه وقار شکوه اعتبار • فریاد پاشا
نامدار • شمس سپهر کرم • وزیر دایه ترم • شیر
نبرد • و شیر اردشیر هجاء نورد • محمود قوال • و مدوح الحال
احمد پاشای خجسته خصال • و پیر پیش قدم ارکان • و
چهره سایی عتبه خاصه عثمانیان • حسیب ستوان
بنام • نیب شناسان کرام • منذر شین مجلس
اصطفا • وزیر خاس مصطفی پاشا • و فیلسوفان زمان
و موایی مآوره دان • عیایم بزرگ • و آستین نکر
لا سیما نعمانی لباس • و جلادت و مهابت بی قیاس
ایله بحسب المناصب • قرارگاه رتبه زینه راغب • و باطله
روشناسان و اکابر • کابر آعن کابر • اول روز پیر
راکبلر • و طلوع مهر سپهر سلطنته متهم قبلر • خصوصاً فردان
سپهر نصرت • و مهر و ماه گردش سنالت • حاکمان محکم

دین و مقداریان مسالک لغتین. اعنی بهما دو قاضی سکر
بلاغت ادا. و سایر علما و فضلا. و کسیرا و عظاما. لایما
ملاذ منشیان عوارف. و جسم چشمه خدایگان عوارف
فضاحت شناس. بلاغت لباس. موقوف دیوان سلطانی
اعتنی به میهنشانی. و نگهداران خوانه شاهی. و نخلان
اموال نامتساهی. ارقام اشارت. افلام استقامت
سردار لر و کارگذار لر. دفتر دار لر. و عالی پایه لر. همایون
سایه لر. روشناس لر. زرین لباس لر. درگاه کیتی بنای
محرملر. سر بوابان اولان مخملر. خصوصاً کردون مدار لر
بلنداشتتار لر. مکرملر و قور لر. اعنی میر انور لر. و حشمت
دثار. و صاحب قارفره لر. اعنی پایه امارت ایرانش
مستقره لر. گزیده لر. پسندیده لر. بکیر لر. لازم التوقیر لر. چاکر لر
خدمتگذار لر. صبار قار لر. سرپرست لر. زمره

چاوشدر سیدن بوزد غاندر. داوتاغ کمراندر. ایل
 کنار کیه. طرف سیه. اولوب سر صر وار. ^{چادر} ذره لری. ^{تار مار}
 و منظر آفتابی بی غبار. اتمک اوزره یکن. شیر لرد لیر.
 دشمن کشدر. عدور کشدر. برق جنبشدر. رعد غنیشدر.
 بیهربنی اماندر. نه بر مردم ستاندر. تفنگ اندازدر. بلند
 اوازدر. زوین دازدر. سیمکین صدالدر. مردلر چلدر.
 اعنی کچمیلر. کرونا گروه اظهار شهامت و شکوه ایدر.
 صف صف خوانان. و طرف طرف کراران. اولد قلدند.
 ضیعم توان. کرم استان. علی سیرت. ولی خلقت.
 کار گذار. راست کفتار. شیر بشیه و غای. کچی اعاشی.
 علی اغا. گروه جلادت شکوه. و شکوه جلالت گروه. ایل
 آشکار. اولد قده جوانب و حواشی. زیر پای موآشی.
 کتاب زیب و زینته حواشی. دوشوب یرو.

قوت و صلا و اواز

دخون کتاب موآشی

دوشوب یرلورلرن • وقزارگاه قسرلرن

دزیلوب ولا تفنگ انداز هر بری جنگ سازاوتش یاز

تفنگ فیکه سیمران صحن از در شترافشان

یوتدی بری تفنگ اول ایده کریشید تاکه بدل

التون اسف باشد فستیل هر بری ولدی نور و ناره یل

اولغید فیکه آتشبار کویا باشند اشدی شلبار

حرب بر جنگ و حرب حاضر خدمت نیره دن دکل قاصر

توغرا باشد متقه لرزان نوردن صایه سکه سروران

برده یا تورقوی تورم کرک دوندی طاوس باغ جلوه کرک

چار طاقیل کمی شوید پرور باشد همان چرخ چارچی کو نور

اول قاییدن قوشلر نجه حلقه ماریشش ایکی شق

بواسلوا دنده ستر • کاتهم جراد شتر • پویان

ودوان • وکراران و جلوه کنان • اولد قازدن صکره کرم

چم

خیزم سینه براق کام • دلدل خرام • زمان عست
 جهان زینت • شرف پلشنک • نهنگ آهنگ • کرامت
 رخت • جهان سایخت • سپهر انتقال • مژغال **نظم**
 بد کلر که کرد سمنده هوا • براق بهشته و پرورتیا
 گذارند دنیا کی تنه تنه • خرامنده سربیری عمر نیر
 شتا کونلرند علف کهرابا • بهار اولدوغجه زمره خدا
نثر غب ذلک تو غدار • بهای شوکته هوا دار • اولان
 صولاقلر مانند کنش • افتاب کیش بیکره قرین • نرکه
 کواکب نواقب سرخ برین • صف آرا • وایت کریمه
 و الملک صفای • فحوی شریفه ماصدق بی غمت
 کمانری قبضه کماندن بعید • و خدنگ جان ستانری
 پوته تصور و تجلده نابید • بو حالت اوزره ناکاه
 افق سعادتن بر مهر خشان • و مطلع هر اسیدن

بر ماه تابان • فراز ابر شوکته پیدا • واسد بر حنجره کون کبی

هویدا • اولدی که خوراته زلزله • واهمه دلوله • دوسور

ویا خود بر شیر زیان • بیشه زار مهابت احم نیا مان •

اولوب خاکپانه دهشت • عک کربی کرانه خشت •

ایر کوردی • ویا خود بر سر روان • شکوفه زار ساگره

کراران • اولوب جو بار بصرتی سرگردان • و شخار

استطاعتی سرکران • ایلدی کبار و صفار • و ابر آرد

اخیار • و صاف جمال شهریار • و مداح دیدار پرواز

اولوب لاند که الایصار • و هویدر که الایصار • تداوتی

تکرار • و دهشت بی غایه لرینی • بشمار • ایل کلنده **نظم**

لطفه هر برینه و پردی سلام • قلیدی رسم مروقی اتمام

نور ستاره اوتاغ لری • سون نور سطر ای دلسه بری

جسم پاکنده خلعت دیبا • سمنه صاکی صانکه هنر سیا

ز کمر قدرت عیان بش نور بر طوقی در میان
 صانع یا قوت خیر سطر یا قوت متن مسطر
 لعل و یا قوت اچیزه اول اولدی نخل سگوف زاره
 صانکه بر جویبار در شلا ارغوان نخلی سیاه
نشر خصوصاً مرقع لجام و هر ای جوهر نظام
 دلدل خرام و سمند نه بر انتقانی
 نازنین و ستمکین ایلیش که گویا نهنگ بی پروا
 دریای جوهر و ن هویدا اولوب لعل و یا قوت مستوق
 و الماسی شفق لری آینه دار نور مطلق مشا هده لوندی
 قطاس منور رسیده بجاک چو برقی بار و زانداک پاک
 بقسطاس ابلق سمند کرین چو ابری عجب شعلش و زین
 بوکونه زیب و نور اسکار و اولش طالم اچیزه
 طارم کبی تا بدار اولد قلری حیزه
تفک اندازان است

قرین • یوم یاقی السماء بدخان مبین • سرنی اسکار
وعیان • ایدوب برآنم صواعق ورعد و برق • علو بر
نه رواق غیب شرق • واقع اولوب مکاه آتشک شکر
اعنی اودن بشت بیک نفر یکچری • شادی کمان و تفنگ اندازان **اولی**
دوشدی آفاده جگه زلزله سی • چرخ ایدی تفنگ و لودسی
نفر بو حالته ناکه مان • تو غمهای هدایت رسان • شد
پسید ریش • و سالک خیر اندیش • بکی غمیان • و
کاکل پریشان • اولدقلریند صکره • آیات زرین جباب
واعلام ستمکین کشورستانی • مچو تابنده برنی اطهار
وهر برنی رشک مهر و ماه تابدار • ایلوب آغای خشم
رایت آرای مخم • اعنی به میر علم • و کبراء کرام • و عطا دیوی
الاحرام • مهر چارم قرین • شش جبات بین • صاحب
وقار لر • بلند اقدار لر • اعنی لوک آغاری • علی الخصوص

زمره مهتران • دارمشکران خوش الحان • صدای چو
 و نفیر • و نوای صورنای شکست پذیر • ایله ممکن
 سما که حکم • و زمیذن زمانه اظهار شستم • قدق رذن
 صکره دلیران ابلق شان • و اردشیران ابلق سواران
 فردا فردا بخلاخت • مصفا بخت • کاردان • یحاکران
 اهرسته رو • قضا پیرو • تیر انداز • تیرکش ساز
 افغی کمان • دفعی نشان • اعنی زمره سپاهیان
 مردلر • صحرا نوردلر • فردلر • رستم نیر دلر • جوشن پوئلر
 زره بردوشلر • مغر دارلر • شاهن سکارلر • ششیر
 دشمن شکندر • برارلر • گروه سلاحدارلر • ارسلان
 قیلان غربش • جنگ افکن • رویین تن • سپهر کمر • سپهر
 سام سوار و تهاق نشین • علوفه جیان بسیار و یمن
 غریبلر • میبلر • ناشکیبلر • بی مانر جان ستانلر

بیک خور • جنگ جوار • دیران هر بر استخار • غیاثین
 و سیار • فوج فوج نمایان • بلوک بلوک خا مان • نصف
 کراران • طرف طرف جلوه کنان • اولوب بیر قتری یگانک
 و بکسری زربفت و سنک • آتلی ترک نازده • زر
 اندوده ختلی سوز و کدازده • آلی یلی کامل کردسم
 سمندلی فرق فرقانه و اسل • لاسیما روشن اهل
 زمره سر آجلر • کهنایلد در بانلر • سر بارلر • رعایدارلر
 جبه جیلر • عرب جیلر • و سایر خدام ذوی الاحشام • یرو
 یرلرنده • و جایگاه مقررلرنده • مانند سنین و سوره • مرد و عبور • اوزره
 نظم سیه چیدی موبک اصغار • اولدی موره هر سردیوار
 با ملر قادی اول کفاره • بارون دادایدی حوکاره
 نغمه و باطله رعایای خسرون • و مخوم و سگون • دعا کون
 قرون • ایدوب • و این تنزهون • آیتنی تکرر • و ازواج و اولاد

۴۱
واسباط واحقاد فراقنی تصور صد دنده عکراکب

مانند غم متم اکب حوالی شدن با غلر کنارینه قریب

وتراحم و تقادمدن ناشکیب اولدقزی کبی **نظم**

ظاهر اولدی اوتاغ سلطان سیم برقلو طوئی سیدانی

سایه نه سپهریدی غالب که ملایک پرایدی جانب

هر طبای شغاع سرچیل نه فلک دنده اول و تاغ نخل

منتر چونکه خاقان داد کستر اول بروج پر نوره کدر

وجمالی ماهنی علماں پرده نشینه منظر سوردی

اربابی نطر فاذا برق البصر وخسف القمر وجمع

الشمس والقمر تلاوتنی مکرر و دوام دولت شیر

دعاینی از بر قلوب یقین و بعید ذلک یوم الوعد و یو

منتر لکرنی جویان و غویان کیم گمان اولو کیم **نظم**

کیم دی سیمین خیام کمر شاه خیل کروب زری قلدی پناه

هم بری فکر احوال اوزره سفر میرنه استقال اوزره

جلس ثالث سلطان فرمان ران

مراحل و منا زلده کی احوالی و بخت و دولت

سلطان اقبال و وزیر انکس الامایری

و ابتداء جگره کی رای نصرت اراکری پادشاه

ینه بر کوته سر نورانی چندی زرین لواء سلطان

گوینا اولدی نور شوشه تیغ زر رشته موی خاقا

صنعتن صوایدی صدای نغیر قلدی بیدار خیل انسانی

باستلیدی بای هوی زرقه عکر ملکت سکیمانی

اعنی که سلطان عالی کش و صاحب قران بلند

اندیش مانند ساکر پیشاپیش اول ساکر

بیشاپیش ایل بدرقه همت زمت کشورستانه همتا و

جبریل دلیل بای جمیله پیشوا اولوب طراق اسوه کاپوی

نقش

۱۹۵
زخارینه تنک و اکناف شاسوه مسم سورا نند
شکسته حال و بی درنگ اولغین طی منازل حلت
ساز و قطع مراحل شب و قراز اوزره فیح الارجا
صحیح الهوا صیدگاه سلطانی شکارستان حرمی

اولان محروسه عظیم القدره و موصول مسعود اعنی حمیه

بهیه ادرنده نزول مهود لری سیر اولوب کجانی الدال

تراجم و تقادیم کجیل بلکه اتم و اکمل تراجم و تهاجم

اولوب قطان حوایی نشین و سکان خطه کرین

دیدار بهجت آثار شهریاره نظر و آثار اجناد

رستخیز اطواره صرف بحر قلندرین ماعدا اوج

کون تمام شرف نزولیدشاد کام و سعادت عالم

شمولید مسرت انجام اولشکر ایکن همای همت کیتی

پناه فروه رتبت غنیمتی پروازگاه ایدینوب حور

ایامه صوفیه نام قصه غنیمت انجام ده آفتاب گردون کمی
بکی بر کون قرار و آرام بیوردن صکره ماورای
دلیل سبیل غزا و سبیل دلیل مقصد قبی در احوال
ظفر نوال و انتقال سفر مال اوزره کارگر پولاد
کمر چرخ بنیاد نفرت آباد اعنی قلعه بلواد
اوکنده رفیع خیام و نصب اعلام قلوب
ایکی کون تمام سرار آرام عقیبده
خسرو شکر کش و نفرت یکین شاه جهاندار و سلیمان نشین
کرد بدیاری کمر خوش زمره پراخت بروی زمین
گشت لکد خورده پراختیان کا و زمین زیر زمین کرن
بو منوال اوزره زمین دیکله معروف بر جایگاه
موصوف ماوای خول رحاله و منزله گاه جنود نباله
خصوصا اوتان شعاع طناب سلطانی نمودار قباب

۱۹۵
آسمانی. اولغلغ ککرد سا کر رنج سکون. خیر آب
وانقل بدن قوتلش دریا کبی سکون. و مرکب
ستور و خول و یون. صحاری تحمل و تنغده کند و ک
راحت غنوم. ایلوب بر وجه استراحت. و
معاشرت قامت. مقرر اولدوغی کونده راه
سعادت کواه سلطان زردییم. عصای هوسا
حکیم کبی بر دریای بی کرانی دو نیم. و قلوب مغوب
دوی الاحرامی اماکن حیرت و عبودیت صدق و مقیم
ایلیوب شهبازان سرحد روم. و سربازان
هزیران هجوم کینه دار لر. دشمن شکار لر. بیست کلر
پلنک اسکلر. کرچکلر کرچکلر. شیر نر لر. ارگلر.
فرد لر مرد لر. رستم بنه دلر. نهان تنر. اعدا کلر.
اهن بدن لر. قوی خوشنر. بلکن پوشلر. دریا خود

میدان غانک لاور لری. اعنی روم ایلی عسکری
الای الای. صف آرای و هیبت نمای. اولوب
بهر بایلدی بردوش. و جرس لری بر صد و خوش
نیزه لری خطار. جرات سیره لری آشکار.
قول قول اولمشکر. صاحب قران غازینک برنگاه
قول اولمشکر. علی الخصوص بر بدر نبیری. و بر
شمس فلک تدبیری. در کنار آیشکر **نظم**
کر مرده حیدر کرار در شیمده عمر سخاده بحر کمر باد در اگاه
بر مرده زمرده دل در پای کمر دیر عجمی دوشیسی غنیمت بوی
نثر اعنی ماه سپهر رتبت. و افتاب فلک نزلت
جم بزم. کستم بزم. اصف را. صف آرا. روم
ایلی بکزیسی احمد پاشا. گروه نصرت مشکو هله
هویدا. و شکوه مشکو شکوت کرد هله آشکارا.

۱۸
اولوب بروجه الای کویستروی که چشم حول
نظیرنی کورشش دکل. و دور دین و ربو کونه رب
وزبوره ایرشش دکل. القصه دیدار مسرت آثار
سلطانی. مانند آفتاب خشان. ذرات و آر.
اول گروهی سریق انوار. و سلام عنایت نظام
ایده کامکار. بیورد قدس کمره بر فوج دریا موج.
و صفوف آلا فوج. دخی ظاهرا آشکار. اولوب
دولت یاز سعادت دثار. عالی رآی اعلای مدار.
میرمه آنان قرمان. سلیمان پاشای کامران.
و عاکر بحد. و گروه مور عدد. اعنی ستمکیندر.
صحرائشیندر. کوه رشدر. دراز سبلندر. عدد
کیشدر. درشت خلقندر. زن تنندر. جوشن بدندر.
شکارلر. باد یارلر. بیاماندر. قرمانندر. منظور انظار

مجت شاعر. و مسرور اسرار عنایت آثار. اولاد قلند
صکرة روی زمینه. اعنی دشت زمینه. نزول
همایون میسر. و ترتیب دیوان. و تقدیم ارکان
و روشناسان. مقرر اولوب امرای مسیحیه نک
همآزی. و کبراء عیسویه نک اسرافرازی. که کلر نک
اولوسی. چه دلاور لرینک یوزی صولوسی
قرال بن قرال. اردل اوغلی و دکلری روشن چال.
اعنی قرال استغان. ارشده الله تعالی الی منج
الایمان. لها صدقیتنی خاک عبودیتة الها. و روک
استقامتینی بسط اطاعتة انما. قلوب بمقولہ
انعام واحسان عادت کریمه شهریاران. المومنین
پای سریر سیر سیره چهره سای. و سر او آر
خلعت موهبت کشور آرای قلند قرن صکن. هزار

۱۸
اسرار طهر شعار و آثار نصرت دمار اعلامی و عید
شرفیاضی و روز چشمن مسرت قرا ایامی
گذران اولیخه اون کون تمام اوتاع معمر خیام
و خیام موخر ختام وادی توقف آرام ده بر دام
قلوب عاقبت ماورائنه غنیمت و دریایی
نهایت کبی ریح رحلت حرکت اولنوب طراوه
صوبی که هر وجه طراوت کواه و آب روی جمله
میاه اولشدر دریا کبی روان ایکن قوس قرخ
نشان بر جبهه عظیم صراط عنوان بناسی چون
زینت ساز رواق تدبیر اسکس انداز طابق
همت مصیر سواد اهما مکمل ممایی دولت
آباد اقدامک بلند اقدایی من حیث لا تشب
اتمام مهام انامی مکاتب بهر بهر هیبت و عا

یچہی اغا سی علی اغا مقدّمہ کونڈلش ایدی
سابق الذکر اوسکت کوپروسی بناسنہ امر
عالیشان و پرشدی بر مقتضاء فرمان نیک
درای عالم آرای شکر اول سیل دریا خیل
روان و جسیر طاقی بناسنہ ہمتی جوان
ایدوب ماہ چارہ مسائل اون دور کون ہمدار
عرض کماں و تکمیل نقصان بنایہ اہتمام فی مال
انگلہ طولا دورت بیک ذراع و عصابش ذراع
فی مظالم و نزاع بر جہت بند و صراط چرخ پیوند بنا اولوندی
نظم قوس قزحہ آبی بریدون اتہ کرش
بہکم کورسہ ویدی بین السماء و الارض
نشر و بالجلد دنیا صراطی دنسہ جائز فاتحہ سندن خانہ
عازم اولانکرت و لکرنہ اہدنا الہم الہم استقم

تا کجنگ کر سلطان چکدی اول کوپری نجران
 خلی مروانی در کنار اندی کجور دیده دن شمار اندی
 نثر بحالت بشارت دمار و ساعت مساوت
 شکارده قوت فایده جهان پناهی و صلابت
 با هر زمان و سگاهی معارفتی تا بحر محیط دن
 اول سبیل سبط وارد و ابتداء خلقت آب و خاک دن
 انتهای اسد ارت افلاک و ارجح تصویر و تخیلی
 فاسد و کاسد اولان امور و دره دن بو
 حادثه عجیب و واقعه غریبه سمت ظهور و سبط
 شعوره کلدی که پای تخت علیه محروسه طینیه
 بیانک آهن لیسکر تنین پیکر دریا رو هوپرو
 خاصه قدر غلرندن ایکی پاره شتی بونجی بوادی
 و دشتی کدزان اولوب اول جبر عظیمک

کمری منظره کماله اساس مرخم بکاسنی
 کورجی تحسین آفرین بحرینه لکڑ صاشر خصوص
 شب یاسر شاعر نورانی و قنادیل درخشان
 برده کند ولین طومر کویا که ابق دگر طومر
 یانرا و دکی کفار و سیاه قلو لرینه جان تشر
 شیر وریا کزار ایسه سر چشمه زلال نیبی
 حضرت نوح نبی کبی شتی نشین و عظیم و جلالت
 مکین اولوب دکر مالکی کبی دریایی دکنار
 و اول دریاچه کوهر شکاری مکنیت و
 جلالت عبور و کزار ایلد کمری حسیده نظم
 دوی هر سال اول آفتاب اوزره
 در شهر آفریدی آب اوزره
 نشر محصل کلام جوید سپهر انتقام مرور و نزول

۱۱۷
و عبور و دخول بدرک نتیجه اشکال مسا ورت
و دیرک، دیرک، فتح و نصرت اولان خصار نامدار
و بروج سپهر اشتهار. اعنی قلع، استوار سکوت
اوکنده نزول ایده جگه ی کون. اولاً اول مدبر امور
جمهور. و متمم هاتم امور. و اسطه نظام نام. و رابط
مرام ذوی الاحرام. کریم الشان عظیم العوان عهده
کشی سلطنت و جهان داری. راحت افزای عتبت
رغبت شعاری. امن و امان چراغ غنک و قادی
زمین و زمان استیانتک معنای وی. قطب سپهر
جهان پروری. و محور فلک داکستری. مرکز
دایره عظمت و کامرانی. و سرپشته قرا و جلالت
وزیدگانی. و زبیر اعظم و معظم. مشیر افخم و مخم.
اعنی به حضرت محمد پاشا. رفیع الله رتبه بحیث

مایه • صانع قلمه آلائی • والائی ولایت نمایی •
 کو ستر بر وجه قوت لری ترین • و قوت لری نرب •
 وز پور که سملین • ایلدیر که اسکف زرینک شعاعی •
 اشوه آفتابی نایاب • و بیط خاکک لوا معی •
 کواکب خشنده زیر نقاب • و پروه نشین غمام •
 و سحاب ابد و کزن ماعد • دستار پوشش اولنک •
 اوتاغ لری • پر ختوبی عالمی استیغاب ایتدی •
 و ابلق سوار اولانک طلاال ابلقی • خورشید •
 تا بنده ماورای سحاب توفقه ایتدی • **نظم** •
 بر کروی اولوب مجوزه پوش • • •
 • • • صوقدی باشینه ارغوان نخلن •
 • • • طوتدی سلطان بورکی صحرائی • • •
 • • • کوردیلر میر عاشقان نخلن •

نشر خصوصاً کونا کون بیر اقدرا چلدی • کویا سپهر

بولتیری پاره پاره اولوب ببط خاکه صا چلدی **لا سیما نظم**

قرمزی اسکف اولدی بی پایان

طوغدی برج شفقه **هر** جهان

کیمی شش تو علوشن باش

طور اسکف نینه کم باش

نشر نینه لر ایسه سرفراز • و شهاب ثاقب کبی شمشاد

ممتاز • ترتیب آلابی • و تزیین عاکر طرمانی

سرخدا عجانه واصل • اولدقن صکره • بنه

بو قولده فرقان • برج سطوت و اجلاان • و مهر و

ماه اوج عطمت و اقبال • مشیران سلطان هفت

اقلیم • وزیران خاقان زردیهیم • و سوزان

بلند اقدار • وزیران سپهر اشتهار • اعنی بهما

بوکر فطنت عمر عدالت • فرنا و پاشای عالی رتبت
عثمان ششم • حیدر کرم • دستور مختشم • احمد
پاشای مختسرم • اماصول قولده دستور ناوړه دان
وزیر شیر کامران • خانقاه سعادتنک پیر نیش قری
و جایگاه وزارتک کاروان مخفی • وزیر خاس
مصطفی پاشا • لازالت مجتبه عن الحشا • وزیران
بنام • واعظم عطاء ذوی الاحرام • شیه صولت
پیر حضرت • جنگ افکن و صفکش • همه کلر کیلکن
موزول اولان علی پاشا • فرادا فرادا سوف نما
و صفوف ارا • اولوب مغفر سر • جوشن بکر
اسکف پوش • زره بردوش • بیر اقدار • دشمن
شکار • اولان قوللرنی • و قوللرنی بر وجهت
سیر • و شهرت پذیر • ایلدیر که آن رکو بدن

زمان نزول و ارنج ایلری بر برینه مقفل • و
 اطراف شاسه نط کاه شاه جهانده منحل • اولمشدی
 ناکاه برقلو سپهر اشتهار • طاهر و آشکار • اولدی
 که خط حیات سنی خواریکر خط کبی آب روان حاطه
 امتش • و هر جانبی لحن کردابی اولغله مروارید حیات
 یوللری بی نشان اولوبتتش • خصوصاً بر طرف
 ساقونستان • و بر جانبی عارسان و کلستان •
 اولدوغندن ماعدا • ایکی فات پارومان • و
 میاننده بر حصار فلک بنیان • که حویلی باد
 نظره صعوبت شوار • و دخیلی با قدرت و اقتدار
 محال و شوار • ایدوکنده اشتباه یوق • سنه
 اربع و سبعین و تسعمایه محرم اطرا منک یکر سنه
 و تاریخ رومیدن غنوس اینک شبنده • که

ایام سمومیه نهایتی بوشش • وساعت روز علی
الحساب اون دورت اولمش • ایدعی ساکر
جرار • مانند نجوم تابدار • لباس زربفت و زین
و کرکاس فاخر و منقش • لرینی کیوب • این روز
معارج اعجاز دن برتر • و سوزان زرخست • و
سلاح داران مساعده بخت • بیدای شوکت و
شها مده جلوه کر • اولد فکرندن صکره صاحب قران
زمان و زمان • سلطان فرمان ران سلیمان ^{نکین}
مرآیای شکوهره نمایان • و مرآیای جلالت قریله
مشا رالیه بالبان • اولوب سا پر تحف کران مقدار
و بیشمار رخت زر نگار جواهر دنا رون • ماعدا
زر رشته دن ساخته • و هر رشته سی شعشوه مهر
پرداخته • بر قطاس نورانی • و قسطاس خمر دانه

۵۰
طقتی که هر کورن کند شناس. بسیار محمد و سپاس
ایدوب و جعلتار نوراً میثی به فی الناس
آیتنی رسایل اوصاف. و مدار الحیده اقباس
ایدلرکن. ناکهان کفار بار و نشیان. بسط
خاکه بر هر درختان. کوروب آیا آفتاب عالمات
عالم غبرای می نمیشد در. و یاسه شمه نور و نایک
بو صحراده عینی می بولوشد. در دیو تصور ده
و بعضی عجب قاطع شاه هفت اقلیم. و یا خود
رکاب پادشاه مرصع و بهیم. میدر دیو فکرده
ولکن اکثر هم لا یعلمون. بل هم فی شک طبعون
والحاصل نمره کفار بد کردار. طریق توهم و تحیده
خاک را اولو هبنداشی عجیب خواستی
اظهار. و خوف و خشی در بی شمار. امک

صدورنده ایکن • اول چش طام • و دیران هر بر استقام
محاصره امرنی تمام • و اول قلونک جزیره دریایی
استیغابنه اهتمام • ایدوب شهریار دارا دارات
و تاجدار سکندر مرآت • اول حصار بنا مک جانب
شمالی سنده کی محاصره نزول همایون و آرام • بوقدن
صکرة اول قبله بدکردار • یومئذ وقعت الواقعة
مضمونی تکرار • و بخارنا ستوده کار • یومئذ این المفز
فخو اسنی آشکار • ایکن اوزره ایکن • دستور
کشورنا • وزیر ثالث فریا و پاشا • و ذوالقدر
والاقتال • و مهر چهره جبه و جلال • زال نبره درسم
نورد • ملک الامر • ملک العظماء • انا طوبی کلزیسی
محمود پاشا • ایلدی بی باکلر حبست و چالا کلر • بهجا کلر
و غاکدر • سپه نیا کلر • ششیر دستگا کلر • کار

کارزارک صاع قوی اعنی عساکر اناطولی جانب
 جنوبینک غریبی تی در کنار و نیم شمال کبی
 معارک و محارب فضالری کنار اندک لرزن صکره
 وزیر حبیب مشیر نسیب و ادیب پنج کیم دلیر و عا
 وزیر خاص مصطفی پاشا و برادر مهتری و روم
 ایلی عازیرینک سروری جنک افکن و صف کشا
 روم ایلی بکلزیسی احمد پاشا زیر دستنده ^{اولان}
 عساکر حضرت قرین و سربازان شاه دین
 ایله جانب شمایسند دامن پر جنک و
 پیرامن سیر قصد و آهنک اولوب لاسیما
 پادشاه کشور سازن مقدم داروب قلعنک
 جانب شرفسند کی جنگستانده ثابت قدم
 اولوب دایره قلعده کی صوبی کسمش و سمت آخره

اقيدوب مجاريني خشك ويا بس فلشدر ايدى بوجه
 دخی برقرار و بنیان مترسه خدمگذار اولدقلردن
 صکره جانب شرقی که فریاد پاشایله دم
 ابدی قولنک مابینی در دستگیر بکیمی افایک
 علی اعایله گروه مهیب و جنود بی مهیب قدام
 عسکر سردقیری اعنی زمره بکیمی
 مترساز و رعداواز اولوب
 ته لشکر فیکسی سوزان
 کندولر بر جاقم قا و اولد بعمان
 بقدر صاعلرینه صوللرینه
 غیری قوللر قول اولدی قوللرینه
 نثر و بفرقنک شقیپنده و فریاد پاشک
 غریبینه غواة بکر دریادی و دریاشنک

۹۲
بی معادلی میسر کار آزموده و دلیله بسیار ستوده
غازی پیر و شکر قوچه ایلی سنجاقی بکی علی پور
و سرحد بکلر نیک متازی امراء غزای پیشینک سرافراز
پر خاشیا نیک ارگلی بوجوه سنجاقی بکی
بو منوال اوزره دورت قول معین و ممتاز مرش
ساز و طپانداز اولد قلدن غیری جنود
غزاة سرحد و حیوش منصوره لایعد دلاور
پیکار کرلر جنک پیشه لر بتر دانیش لر قهرمان
کارلر شهن خون گذارلر اعنی بودیم سگری ایله
عالی قدر ذوالقوة و القدر میر میران نامدار مشیر
عالیشان بلند اقدار عطا بزمناک خانی
سخا صدرینک صدر محرمی تدبیر بکرنیک در بکتای
ارباب لطف و احسانک انکشت نمایی

انعامی وافر احسانی متکاثر طبع
 سحری صانع اولدی برخط ربع سکونه سپرایی وار
 بالکر کسره کورمدی لطفن برغیر برتراریمتی وار
 ذات پاکنده ختم اولونچورد حدویانی یوق مروتی وار
 شتر میران دانا بدون بکیر بسی مصطفی پاشاکم
 سابق الذکر وزیر اعظم خیرتربیک اقرب اقربا سندن
 واول و دمان سعادت اشیانک شاهن کبی صلابت
 غاسنددر عهدنده ارباب معارفدن مک یوقدرکه
 عین انعامه لایزالیمیه مکرکه کورمه وعصر نمن
 اصحاب طایفدن شیی بی قالمشدرکه انواع التقاتنه
 معادن قلبیه یا مکرکه اشمیه حقابرو ذات شریفه
 هر نفسده احسان اوزره اولسه خط عطر طنده حضور
 بولونمز و برشان لطیفدرکه بر دمه بیکیمه دست رس

۲۳
پولسه یاطن و ظاهرنده سرور کورنفر حق سبحانه
و تعالی اول وجود پر جودی معتر . و چراغ رفعت کوندن
کونه کون کبی منور . و نور دیده لر پی نور غت و کسکه
النور ایلید . و عمو ماعا ککر قرمانده سلیمان پاشا
قرال ضالک سمته معایل . اوسون بلوغادی اوکنده
نازل . اولد فلرندن ماعدا . میر لواء علیشان .
کوستندیل شجاعی کبی محمد خان . سکواره جاری
و مرد و عبودن عاری اولان ریکیه نام بیا فلوصوتی
کچوب قرنا دپاشا نک ماوراسنده . و بویو فی طرقلر
احتمال خطر اولان محاری و بیداسنده . قراول
طریقده کشت و کدار . و کندولری کارانموده بیکار .
ایدر لکن بوجابنده کفار خاک . بر بوج سکواره
بیوآر . خصوصاً هر برسی خامه و خائب . و یقظون

من کل جانب • لایسمای هر اسیر یاری غالب • ولهم عذاب

نظم کوره لم عاقبت کار نولور

اهل اسلام کهار نولور

یا چسون اول شاهجهان اُحیات

دشمنون روی زمینہ ظلمات

جلس رابع ابتداء جنک ویشکار وازو یاد

کرمیت کارزار خصوصاً فتح پارتوقان و نغمت

کافران بیاننده و پرتو پاشا خضر ترنیک

جنگی و کوله قتلہ اندا اہلکی اعلاننده در

چو این هیجا بیایان رسید صدای شپوری عیدان رسید

ہر بران مردا فکن پیل تن دلاوردلان تہمتن بدین

ہمہ کار سازان رسمہش ہمین ہنشان یکدگر آتش

زرعد سہکین برنی دسل ز مردم تہی ہجو کردون دسل

چنین کرم شد و دکاه بند نه در حنجیر آن نه در خاک
 نثر بو منوال بی نامان • واسلوب غامان • ایل
 آتش نشان • از درد مان • رد فغان • برق
 فشان • شکرستر • ثعبان پیکر • صف شکن
 بنه دافکن • جنگ جو • پر خاشخو • بی امان •
 جان سمان • دور بین • آتش نشین • مرغدا •
 آهن قبا • ضرب زن • حرب کن • طویر • پراشویر •
 طعن طاشکرتی پرتاب • و بروج قلو خرابیاب •
 امکد با شیب رعد اندازان بی مر • فیتل مار پیکر رنی
 پر شرر • خصوصاً پیوه جهادی • سوزان • و کهریت
 حرب و ضرب و کشادی • شعله سمان • ایلوب کفار
 خالین • لعنهم الله الی یوم الدین • هر اس و بیل
 غمناک • و فراز قلو ده غراب سیاه کمی بهیماک •

اولوب صانع و صولدن . و با جمله سر قولدن ضرب نام

و حرب خسارت انجام . ایل کفره مغنون . مکتوب مغنوم

و محزون . طایفه کلش مسمون . کبی حرکات بی مان

و آتش ندامت نیش آشتعال . اوزره ایکن ^{نظم}

دوم ایلی سکرینک مردلری کسپی نغزه زمان کیمی جری

کوستوب قوت بازولرغی اغدو دبیله رازولرغی

جان اتوب قلعیه قرشوهر مرد قلدیر طوطی قلعیکده سیر

^{نظم} علی الخصوص مترسکریه مخازی اولان دیوار

اوج قات حصار . و بروج سپهر برین کبی استوار

اولوب پلن ابدار . و اشجار و چمنزار . ایله بنی شکر

و زنک فکرت حرب و ضربی . مراپای طبیعت کندن

سلسله . حقابرو جهل حکم . و مشید و حکم

اولش که وارن طویلی طش پارو قاتنی کچه مرز

۱۲۵
و عادت مالتوفسی و زره اقامت جنگ و جدال و
چه مردی • حتی پارو فان مذکور کت قدی طولا
و ن ایکی ذراع • و عرضا بش ذراع و ن زاده
و لوب ماکن مهمه کهره • و ککن شیده
خیزه • درونی استوار • و مات مات حصار
ایلیوب بواسطه کا مدن کرگی کبی اطمینان بوشلر
و لوکنتم فی برج شیده فحوا سندن نادان
و غافل اولمشلر • اخلاص طوط هببت
خسروانی • و مهابت صلابت سلیمانی • سندن
اربع و سبعین و تسعایه • محرم اطراف منک بکری
البتی کونی • اول عمارت ملاعینی تالان • طوش
پارو فان زدن خواه نا خواه کر نران ایلیوب غایبان
شیر جنگ • و دلیران اردشیر اهنک • اعنی دوم

ایلی عسکرینک سرفراز لری • و مخارب و معارک
عرصه کا هکت سراز لری • مهاجمه جم غفیر • و مجاوله
جلادت مصر • ایله بزنگاه خرد دن یاد لر • و اول
حرکتی خور یاد لر دن الی یوز نفر کافر کی شسته
و طش پار و قاتلری یچنده پشته پشته • قلوب
الذریه خاما لری فی باقدیر • و باعث اطمینان اولان
کین کاهلری نه نیت آتش بر آقدیر • لاسیما
کوه فخره ضالین • خایفین و خایبین • فاصحوا
خاسرین • علی ما فعلتم نا و مان ^{نظم}
آیت فخر ابد اور بو جنب فسادن عطا دور
اغلو فانی یاشد و کعبه خلی تا دیده ماجرا دور بو
نثر اما دستور دانا • من افکتم ش • وزیر
ثانی بر تو باشاکه • بادشاه عالمیه • خط الله

انجم سپاه حضرت نیک بای تخت سینه محو
 قسطنطنیه دن توجّه هاپونلری واقع اولمزدن ایکی
 کون اول که روز دوشنبه ایدی امر ایشان
 و فرمان طغرت شانلری مقتضای سربازان
 دشمن شکار و سپاهیان شعار اعنی زمره
 علوفه جان بار و دلاوران شجاعت قرین
 و بهادران شهامت بهین فرقه غباء بهین
 و تفک اندازان و هیجاسازان هر بری بکرد
 و جری ایکی بیک نفر بچری و ایمل
 بو مقدار عاکر نفرت مأثره پاوشاه جم جناب
 درگاهندن مفارقت و فرمان جهسان بکر
 اوزره کوله فکوسه سی فحنه غمیت ایمل بکر ایدی
 بعد ازان دشتیان تیر انداز و برکیه پاران

۲
ایلعاریاز سواران پیمایرستان و تاراجیان
وادی نوردان اعنی تاراجان طرفین کلان کر
نی کران و سابق الذکر کرنی بنی اردل و طاعت
و انقیاد و محمل اولان قرال استقامت ایلده خورده
اطاعت کران و افلاح و قره بوزان طرفین
قازقلر و دیوده لر و یوناقلر عموما پرتو پاشا جناب
هیچا کران و فرمان بران تعیین اولند قلربدن
غیری شجاعت شعار شهامت و تار میه میران
و مشوار مصطفی پاشای کامکار ایلده زیرو سنده
اولان غزاة جنگ آموز و دیوان هیچا فوز
سربایای موکه آرای اولوب کوده قلوسه
فتح نمیش از و بعض قلعه لر و برجلر کرفتنه
اساس انداز اولد قلربدن ماعدا

۹۴
کرم اولوب طرفه تشبک اوتن تشدردی لوب و تشبک
تیر لر خود کمانده بدهن نه پیرن دوزنه جوشندن
شعر والی اصل عا کر صاحب قران زمان جنود
بی کران حضرت سلیمان کبی جوشان و جوشان
جوق جوق خدنگ اندازان و طرف طرف خنک
سازان اولوب کثرت خدم و ششم و وقت
دیران بنی آدم دریا مثال اول طرفه
قرین غوطه و خیراب تشدی و کره زمان او طوفان
قیامت نشان بی نشان اولوب تشدی
فاما استدعا، فکر و عقول و اقتضاء کثرت
نفوس و خیول موجب محض قحط و غلا و ضد
و فرت و غنا اولوشن اکن اول وزارت و قراست
مقامنک صدری و عدالت و دیانت سپهرنک

عالی قدری استقامت بوسانت سنو

جلالت و جلالت هشت تنک طوباسی تدبیر

فلکرتیک آفتابی تبشیر ملکرتیک کردون جناب

باعث نظام هفت کشور متمم امور تحت و افسر

سری سراج ملک رسم نفی ثقات شانه خدمت

وزیر بزرگ کشور آرا سسی رسول حج و انا

نماز عتی حضرت محمد پنا اللهم این کجاست

انار قحط و غلابی غلا و اطوار رنج و عنایت

محض غنا بیورب تبسم تدبیر و لذیر غنا و پردی سکره

زاد و زاده بحر اولون اقدی سریره

آلبر برار به اغسری غم غصه کور مدک

حاک غلابه غله واره پوز اور مدک

اولدی ذخیر رنجی کبی قحط بی نشان

کرمه دهنه

۹۸
کسده خیره ز محنتی حکمی عیان **نشر** بوندن ماعدا
ترتیب آلاپی • و ترین عاکر نفرت آراپی
خصوصند دخی تیره کمان همتری شهاب ضریبا
کپی سماء اسمائیه و اصل اولش • و ششمین
قبضه شجاع علی آفتاب سحاسنا کپی بیداء
سپهر بتلرنده امتیاز بوشش • ایدی بوشش ^{اسلوب}
نامسلوبه جنگ وجدال • و عرب و قتال • اویره
سنة من نوره صفر المظفر تنک و وردی کونی
دخی آیات فتح و طهر • قلل فکرت و نظردن
برتر • اولوب باروی باروت فشان • ایچ باروتان
دخی عاکر اسلامه سحر • و دساکر بی قنایر
کپی زیر و زبر • و بسط قهر و تباره برابر • اولوب
روم ایلی عاکر سیدن هزار نامدار سوباشیلر • و

بشمار پیکار گزار و پرناسیلر • طوپ و تفنگ
 و سفاکوس و زنبیر کردن • دوشدیلر • اعنی که
 اول سفر طغرائی • و مهاجمه • هجاکر زده • شهادت
 یوللرینه آتشدیلر • زیرا عاکر دکر کشتا
 نفر هم الله تعالی • طفرندن ایلان طوپر عارنداز
 و تفنگ هجاساز • قلع • مزبور • پار و قانلرینه
 کرفنار اولور فالوردی • نشیمن کهار • و پیر من
 فجاره • انجی صدالری و پرتواکی و اصل اولورد
 فاما زمره ملا عین • و کفره شیا طنیک بخش برقی
 بخش • و طوپ و تفنگ آتش شلری • لابد
 بر دیر پیل بدنه • و با بر شیر مردم سروتمن تنه •
 راست کلوب سروجهل آتشدان قوتلری کرم •
 و عاکر منصوره نک یوریشی تابش مهر نک

بر مقدار نرم. اول شدی. آخر کار جنود جبار. مانند
بکار دختار. کرمیلر نی بی نشان. و آتش دران کرمیلر

مخض دختان. ایدوب ایچ پارو فالر نی دخی الدیلر.
و هزار خوریا دک فانی بیط خاکه صا لیلر.

حکایت اولنور که اول فروه ضلالت و فاک

رئسی. و ایلر علیہ اللعنه کسم مکرو تدبیری.
قرال ضالک معتقدی. و نیران مجملک فخلد

رأس فتنه و فاد. آتش افروز خرمن عباد

قلوب کتوارک بانی. سراة امته انک کار دانی

زرنسقی دوکلری مروان. علیہ اللعنه. و خذلان

که ستنی تمیشه بتمش. و دندانی خاک ریخته

بتمش. ایدی زعم فاسد بخ تدبیر. و زعم مسلمینه

بذل و بسطی کثیر. ایلوب بر جانینه کلچ کلچ. التون

و خوش • و هر طرفه کینه یی • و فلوس منقوش •
 قویوب کفای بیکاری • و فخرنا ستوده کاری •
 زمره سندن بر دلبی دراک • که روم اعظمی سکرینک •
 بر نی زخمناک • و طوطی تفنگ و شفا کوس و زبرک •
 ایل هلاک ایل به بند بی کران • و تحسین فراوان •
 ایدوب التون کرسه آچودی • و اول بدر دارک •
 او سته دست انعامه فلوری صاچودی • و اما جان •
 جنگ و هنگام طوطی تفنگ ده قیو حلقندن بر نی اوسته •
 و یا خود بچری طایفه سندن برینه نعم ابر کور •
 اکرام بالغ • و انعام سالنه • قلوب عروش و اچیه •
 لایق • و انعام واحسانته موافق کور و دی •
 لکن چن که شکسته تنگ • و کسمه جوشنگ • اعنی •
 هلاک و زخمناک • انا طوطی سکرین • و اول سیمک

دلاور لرندن. اولسه راه احسانده تروود. و سمت ایش
 تعذ. ایدوب زحماکک ناتوان. و کارزار
 مهابدن کوربان. درویدو دم اولور که فلس اعلی
 کورترین بویارشش. و کاه اولورش که افس
 و ائلا قدر دیو همتی دروغ طنارشش. بو طریقه
 عا کر منصوره نک کمان و مهابنی. و هر یک
 معادیر و مرتبشانی. معلومی ولدوغنی اسلام
 و سلم سمالی بوسمه اتمام و افهام. ایلر ایش **نظم**
 لعنه الله علی احسانه و علیه و علی اعوانه
 ارته برکون کوره حواله لور **سیم** زرد بایی قبال نولور
جلسه خامس خاغان کیتی سنانک انتقالی و قلو
 سکوارک فتح و نصرت مائی حضوصا وزیر
 اعظم حضرت **ینک حسن** تدبیری و صوت **ماتیک**

ایمن نزار کله کتم و غیری بیساننده در

بر شب که انجم آسمان • اوراق خزان بگی سراسر
میناماده پریشان • اولشیدی • و آفتاب دختان
نرس زین کلاه بگی سبزه زار غبراده مرش
صو شدی • حصا فلو • گوهر زنگین ضیا •
عاکر نجومه سیر • و بقوه حبش زمان و جا •
کوباکه سلطان روم سحر اولشیدی **نظم**

لباس مائمه کبر شدی آسمان و زمین
بهار دولت و شادی مرش ایدی همین
مکرطوشش ایدی کوزون آفتاب هجیان
فرشته دشمنش ایدی رد و غلبه بر خزان
نثر ایام خزان • و هنگام خمر اندن • سنه یح
و سبعین و تسعمائه صفر المظفر نیک یکر می

ایکنجی کوننک بکجه سی طهوزنجی ساعده صاحب
 زمان. یوم یاتی بعض آیات ربک مؤانته نکران
 ولین الملک الیوم. وادیلین سکرودان اولو
 ضعف قولری غایتده. وقوت ضعفی نهایی
 رحلری کنسیرینه غالب. غریبیری قاسترینه
 حاجب. کهار بدکردارک خلاصی فکریه غناک
 دعا کر منصور غریبیکر فالدیر. وریو
 هلاک. وروزیانی. وجانب و آجیه سر و بی کر
 و اجعل لی من لدنک سلطاناً نصیراً. وکلون
 بعضهم لبعض طهیر. فحواسی ولد غنیدن اعدا
 همای عالم روحانی که بوجیه یلکر آشیانه بدتن
 قرار ایلمکی خوش کورنیدی. و بجه دملر فضا
 اعلای سلطنت و سعادت کسب هوای مردانه

کونا کون صفای رسورشیدی • اول تعلق قدیمک موافق
 موافق انقطاعی • و اول تشوق سدیدک اعراض
 بدینہ دن اعراض انتزاعی • هر وجهیله دشوار
 و پراشکال • و شاخار وجود و زندگانی
 کہ آب روان روان • و جو بیار سر جابودان ایل
 ماه و سال • باغ و ران ملک بدن منتظر الحال
 و اخذ طراوت و لطافت مرزہ البال • اوشدی
 نسیم فناک خوانند • و رور کار بی وفاک
 اقرآنند رضاسی • خصوصاً اجل بیمار نیک و دینہ
 وامل کر فغانیک آہ سر دینہ • رضای خاطر
 ابداسی • باعث ندامت و حسرت اوشن نظم
 مردش جهان پیمان جان پادشاه زمانہ کی سرد
 عالمی را گرفته بود و بدل رفت تا عالم دگر کرد

مشر هـ کلام سلطان عالی مرتبت و صاحب
 قرآن سلیمان مرتبت جناب حضرت سلیم
 و ولایت و تقدیم امانت قلوب بت ابی لایک
 الانفسی فحوائسی نمایان و علما و علمای
 جنت نشانی ویده نادین ابد کریمان ابد کلر
 حال و فرمان ناکفته و بسیار شریفه کبری
 ایتدوکی اوزره مدبر بی نظیر مشیر کبر
 فراست سر پادشاه جهانک صادق و زار
 عظمی مقامک هر وجهه لایقی آری و ان کبی صاحب
 دل سر و بوستان کبی طوغ و لغه مایل امور
 مشکله تحلیلنده ممتاز هر جهله رازدار و صاحب راز
 اعنی به مشیر اکرم کریم الشان وزیر اعظم عظیم
 العوان مشکک و تدبیر غا حضرت محمد

پاشا جنابنه جو بکریاچی و جان و دل ملکنه آتش
 براغی خبر لر و اصل اولدوغی کبی کوکل کوزله
 کریان قلب دلی ایل مالان اولوب بونجه روز
 التفات عالیسته سر آوار اولدقزی پادشاه
 بلند اقدار اجل هوا سید خاکسار و کل
 کبی پریشان و نار مار اولدوغنه بر مرتبه و غمناک
 و بر درجه ده کریبان چاک اولر که تصور تحیل
 اولوغز و بونک کبی مامک وادیسنه غمدن
 غصه دن صبر و تحمل پر لر بولوغز لکن عا کر
 اسلامک مدار کی و کهار بدنامک قوت قاهره
 ایل تنه کی علی الخصوص جمله ولایت رومک ضبطی
 و آل عثمانک سلطنت و خلافتی هکامتک ربطی
 کدورک قمت همکرنیه فرض بلکه لازم الادا و رض

اولمغل فی الحال طبع شیرینده مندیج اولان
 تدبیر و تدارک کوه سرلر نی بربر و جوده کتور دیر
 و کندولر کتم اسرار شبه و استاردن مبرا
 اطاره سد اسکندر اولوب او تور دیر اولابوره
 واقف اولان ایچ اوغلانلار نیک کمینه خوف
 و خشت و یروب و کمینه لغمد سعادت و نصحت
 بیوروب بو واقعه ماتم شعاری بر وجه استار
 ایلدیر که بر فردک دین توهمی تصور اولرین
 یاش دو ملک میر اولدی و بر کمینه نک
 زبان تکلمی بو حکایه دن خبر دار اولموز حال فرصت اولدی
 دل اغزویری بو حادثه دن و لک اغزه خسته حال اولدی
 دله جان سولیه یک دله مز شولیه محزون و بی حال اولدی
 هر قویق اولدی بنده خشت سوز ایشمک قی حال اولدی

و باطله درون و بیرون هر برج او غلابی ملوک
مخزون اندایوم لایبطون و لایوذن لهم فعدون
مصدق بی زیار ایل هم سکون و خوف و
خسبت کوشدین غمناک و سکون اولد قلدین
هکره اول پادشاه غازیک نورمحن اولان بدین
و هیکل لطیف و کل پیرینی اویاغ ایما یون
مدفون و دینه لازم الصیانت صفتده
مخزون قلوب رسم و دیند خاک ریز و طلسم
امانده مسک اینر اولوندی حال بعض حالات
تا دیده و عبارات ناشینده مدارکنده
اولدیلر که محض الهام ربانی و عین انعام بجا
ایدوکنه رب استبناه بوقدر حتی و زراعت
رای و رفقاء کشور آرای و فی مرحوم و مغفور

54
موتدن. و رحلت و غمیت و فوتدن. برو جملہ
خبردار اولیوب. و ایما سلطنت حیالہ کامکار.
و عادت مالوفہ لری اوزر خلوت خاص لرن
برقرار تصور ایدر لردی. بو حالت بر ملا شدہ
عاکر منصورہ. خصوصاً امرء مأمورہ خوف
و تہدید لری صادر. اولوب لار دولت دیار.
فتح قلوب سکوار. بو آنہ کلنجہ دشوار. اولدوغنیہ
سر بریزہ ششم کار. و تفرج شعار ووردیو
یا قوم اتی اخاف علیکم. فجو اسنی ندکار و نگار.
انمکله. و با بفعل امداد کامران. و اسباب خاندان
اولان زین اکارم. کرنیہ افخم. رفیع المراتب.
منبع الجوانب محرم اسرار لازم الاخفا. بوندن
افدیم بکیری اغاسی اولان جعفر اغا محرم سرم

خاص. و تفاوت خدام خواص. اولوب صاحب قران
مغفور دست خطنه شاکل. و آیین کتابت
و عبارتیه مماثل. خطوط انشا ایدوب تذکره
کوندر محکم. و مرآت ذات شریفه فخرینده اشکال
ماتم و ملال. و احوال فحرت و انفعال. بوجه من
الوجه کور نمک. و مهم اولان مناصبک نصی
ولازم اولان خدمات دیوان. و قرائه عرصه
تشبیهی. زمان صحت پادشاهیدن قوی
سوریکله. زنک شبهه دامرا. آیدیه تصور و فکرده
تا پیدا. اولوب کما فی الاول. مهاجمه و مخاصمه
و هنگام معاند و جدل. مرور ایلین کونلردن اجمل
اولمغین سنه مزبوره صف المظفر نیک بکرمی
ایکینچی کونی که تاریخ رومیدن ماه سبتمبر سک

۹۵
کونی روز پنجشنبه در الدین بجاد لون فی آیات
اللہ بغیر سلطان فحواری اشکار و نمایان
اولور کن ایچ قلو دخی فتح اولونوب و ما النصر
الآمن عند اللہ مضمونی سرلوحه فتح و طهرده
قرأت اولوندی و صحیفه بشاشت غراه اوله
فاختنا هم اخذ غریز مقتدر آب سے
اقلام سیر فله یازمشس بولوندی **نظم**
زاوا از شمشیر بولاد بر صماخ شمشاه مغفور بر
شپاشاپ تیر حکما کانت چوبری که نابیاران مرغ
بسی نجه اخون بدر باشد زمر جان بسی شایسته
تجرب اولونور که چونکه فتح و فتوح و متون موکه
حل و شروح مست اولوب ساحه قلوبه کرد
ونشانه مرام و مقصوده اوق کبی برلیدی فتنه

بیدار مغنون خرمندس و کلری ملعون هر و جله
دلریش و سپیدیش اکن غیرت جاهلیه
الدين قوموب بر فاج دفعه تیر کشی الی
آلندی و او قلو طو کوز کبی خمر بر خانه سندن
طش جقوب صورت جدال و مهابت بی
مائله اطرافی طالندی حتی نخ غازیله زخم ابر کوز
و نخ دلاور لک او ستنه ات سور و ب
کرکی کبی جو آنلر و کما یبغی حرکت طهون
کتور دکن صکره خواه نا خواه غازیلرک
چومندن کریران و قرارگاه سابق طفرینه
شما بان اولوب سندی آخو لام میدان
کارزارک سر بازی اون لش نفر مقدار
غازی ملعون مزبورک و زرینه اعنی جاکاه

مقررینه کیم وب کور شکر که بر مصنع کرسی نک
 او شنه چو کشش. و اطراف و جوانه وافر
 اچی والئون و عروشش و کشش. سوسنی
 اطلال را یله کند و بی طوئمشش. و حرات
 و التها بندن سوسن کبی و لنی طشره و زمشش.
 چو که غراکت قدومی. و سفک خونه چو می
 بی شیره معلومی اولمشش. صورت استقبال
 و انواع عزت و اجلاال. ایل قرشو کلوب طوئمشش.
 و کند و الیکه بنجا عن سر کنون ایدوب بصیرت
 و تدارک خلبندن لعلمشش. اول آن بر غازی
 سرباز. پیکر ضلالت سر شنه تفنک انداز
 اولوب دل و پرانی کبی بسروح. و قلوبینه سی
 کبی شروح و مفتوح. قلوبه سر تراشیده سی.

غزاقاننه پوئشس. ولاله خزانده
 گویا که سر خواست فسادن مکرار او پوئشس **نظم**
 یسغ تیرنگه کسبش باشی فانه غرق المیش اول او باشی
 دوزخه یا نهمین اول دوزخه قبول اخگره دوشش بدنی
نظم چونکه فلو، استوار. فسقه ناسواردن جا
 قالدی. وزراء عالی رآی. دعا کر نصرت آرا
 ساحه عظیمه. وقواعد قویه سنی لغزجه کلدی
 میاننده کی کنیه مینه که حصن حصین. و فلو
 گویا سرکنین. و نلسه جازایدی. میدان غرائک
 سراندازی. بشمار اهل اسلام و فارسی
 بام نخوست مقام من کسند و لری جلوه کر. و اطراف
 و جواننده صرف بهر **نظم** سر. فلور لکن ناکهانی
 قضای آسمانی. واقع اولور در بنده کی باروت

۳۷
اکتاف فلو ده کی آتش بقیه سندن طوشوب
باندی و آرا یک ملا یک جبروت اول آتش
فرز انک دغان سیا هندن قبقره بویاند
مخصوصا بامنده بولنان غراة علودن نرد بانکر
عروج و مخارج و ابراء شردن جنودله
خروج ایلوب سرفرازان هجاساز دنیا
دینده و فی پند پرواز و اخری ده کی اعلی شانکر
بواشیا نه خاکدان ده بله شاهد و ممتاز
اولوب برخسارت قیامت اثر ظاهر اولدی
که لا عین رأی و لا اذن سمعت و لا خطر علی
قلب بشر **حکایت** اولنور که غراة شانانک
سرافرازی مرحوم سلطان سلیمان خان غازی
بوعل و شرح و فتح و طرح مستر اولمزدن اول

خاطر بعلری مقرر و فتح و فتح زمانی مستد
 اولدوغند مقرر اولوب وزیر توانا مشیر
 صداقت پیشه شجاعت اندیشه ناظم الامور
 حاکم الجمهور ضابط الممالک بالفراست الشامله
 رابط المسالک بالولایه الكامله عکرنواز دانا
 وزیر اعظم حضرت محمد باشا جانبند دست خطریله
 همایون تذکره بلاغت نمونری واصل اولوب
 مضمون مرغوبنده شواو غنیانه حق دخی النمرنی
 و ممالک غزا و هجاده فتح و فتح کوسلری
 جالنمرنی دیوبور و فلری جلدن دعاری سموع
 جناب کرد کار ورجالری مرفوع خالق حبار
 اولوب اسم الذی اهم یاندی شکوفه زارد عوتکر
 نسیم جابلداویاندی غب فک حضرت

پاشای کاروان. عا کر مضوع مک شبهه لرني
 في بنیان. و ذات شرفيدن مرکز اولان ^{سطوت}
 و صلابتي غمايان. ايليوب وزير خاص مصطفى پاشا
 و روم ايلي بکبرسي احمد پاشا. عموما زير دستده
 اولان عا کر نامتناهي. و ايکي بک نغز چري
 و اغا ليد برايکي بلوک سپاهي. کوندر يلوب قلعه
 سکوارک دلي. و اولاد آديرده کي فلاحک مسکله
 اولان بوبو في ديمکله شهر. فتحی دشوار. جبار
 نامدارک. سکوارده مابيني بربو چو کونک بولدر.
 فتحی چون فرمان پادشاهي شکلنده. امر عالیشان
 وارد اولدق. اول عا کر جرآر. مانند جاذخه
 بي کران و بي کنار. اقطار گذار. و دشمن شکار.
 اولوب سده اربع و سبعين و تسعماية صفر المظفر تک

بکرمی طهوزنجی کوئی کہ روز جمعہ ابدی • توجہ طهوز قیقله
 کست دیر • ایرتہ سنی مقصد اقضا اولان سمنزل
 سیدلر • دخی کار ساز جنگ • و آت ناز ایداز
 طوب و تفنگ • اولوندرین حضرت پاشای
 آصف رانک حسن بدبیرتی • و صاحب قران
 مغفورک توجہ روحانی • برده همان اول کج
 قلو، بوبوچی • بوم پوشی • فالوب جیح خور یادکر
 و کفره ناسا دلری • باشلرین الوب فاجدیر
 وزندان خوف و حذرده مجیب اولمشلر • ایکن
 خلاص و صلاح جانب لریه بول جدیدر **نظم**
 وزیر عاقل اولان پادشاه و نیک ^{اولور} مای حال حیاتی کبی مظفر
 صداقت الیچک پادشاه برتور ^{اولور} سونیه فتح و طفر قلو ^{سرخ}
نشر بوموال و زره سولت قلو سے الدیر

و دورت کون این قرار ایدوب لازم التعمیر اولان
 برلری اتفاظ عمارت قلدیر. بعدزان رای عالم
 آرای حضرت پاشا. دادا ایداد وادیلرین جلوه
 نما. اولوب مردمان حصار. و حفظ و دزدان یقین
 بیور و حفظ نام مضبوط. و سرشته تدارکله
 مربوط. قلندقدن صکره جانب سعادتلرنده
 غازیله. و عاکر حضرت پاشا. فرمان پادشاه
 و امر لازم الادغان شاهنشاهی. در دیو حجاب
 عالی لری صدور بولوب. اول کونری قانقش
 و لیر. و اول پنجه لری غنرا قانز بویانش شیر
 کجا و هیبتلرینه سوار. و کجا بوی مهابتلرله آشکار
 اولوب بلوک بلوک فراوان. فوج فوج نمایان. فرق
 فرقه کرازان. زمره زمره شایان. کهارنا اسوار

جویان اولوب کتدیلر. بزرینجه نام مارفانه که قراک
 ضالکت محافه سی ایلد انک محافه سی مایه
 قوجی بور پشی ایلد بش کونلک بول. و قوج کتدیلر
 غنیمتی ایلد قریب الوصول. ایدی ایقتال غنیمت
 مالکری میسر اولوب ککری کون دینجه ییچ مسرت و
 بشاشلد برو جانده عزیم ایدیلر. خصوصاً اموال
 غنایمی عاشق کک محسندن زیاده کونوردیلر. واساء
 بی محاسنه جفای معشوقان زمان کبی نهانی
 کونوردیلر **نظم** آتک قاله یانوی از قالدی
 برکدن ایکی کلدی اوج کلدی
 کورمدی بویله آتکری دانا
 کیمسی هشت باکیمی ده پا
نثر بو غنیمت دکشا. و نفرت مسرت فرادان

۱۵۵
جنگ ساز و فکوت شایه سابق الذکر پرتو پاشا
طرفدار دخی فتح و نصرت • و اخذ مال غنیمت ایل
برج حکم • و حصار حکم • اعنی گوله و دکتری قلعه •
و یاکو او و طلا غوشش نام ایکی یاره قلاع مرتفعه •
فتح اولسینوب فاما اولتا ریجنه عرات سجاغی بکی
اولو غنیمت بنام • و دسیران هنر بر انتقامک
سروری • بلکه اول کرده نصرت شکوهک
کون کبی بلند اختسری • اولان یحیا پاشا نور الله
مغجو اولاد نیک کریم سی • و جمله اکابر عظماء
و روشناسان و بلغا نیک پسندید سی • بالفعل
استونی بلغا دی و آری محمد نیک که **نظم**
و سببی نظم پاکه مالکدر معرفت پوللرین مالکدر
لطفی دریا سلی که برید کورینور ذاتی بر درکت

کرم من مکشون درینج ابدیه مر **قبوسن** دست حیف بر کیده
 شیی کلید یارنده دوا **طغیر** صانکه خاکي باد سبا
 خلص ذاتی کم و صوبیدر **هر سوزی** معرفت اصولیدر
 سوزی کو هر سخاوتی باور **کورمان** آتی عین اعمی در
 نطق پاکیدن او کرونوب احیا **اولدی** بزمنده مغشوم
تشر آیی بی نظیر **و تدبیر** دلپذیری **مقتضا** سخن
 خصوصاً ذات شریعتین **مرکز** اولان **شجاعت**
و شها مت **مسند** عاصی **ویره** ایل **قلوب** دخول **و بر**
بلند پرواز کبی **بر لوک** غراب **رو** سیاه **ایچنه** نزل
ایروب ال عثمانه **و خاندان** حبس **نبانه** **ابا** عن جد
واقع اولان **و فرت** اخلاص **و کثرت** متابعت
و احتضا صلحی **موجب** اولان **کفتار** نیک **تأثیر**
و محض ارشاد **و تدبیری** **ایله** کفایت **ضالالت** **تأثیر**

۴۱
ویره ایله قلو دن طشره ظاهر اولقد **نظم**
کیردی میدانه تیغله اولدم اولدی عدا و جودی عین **ع**
چاق شو کلوقلدی شمن دین قانه غرق اولدی یروزی **م**
نثر حتی بوجنک و جدال • و حکام قتالده موی
ایله محمد بک کفار خاک را مابینده بویوب
کنده سی و فی زخمناک • اولوب انواع عواطفه یزآر
اولقدن صکره قلو غرنوره سلک حکومت
پادشاهیده ظاهر • و ملک سلطنت شهنشاهیده
باهر اولوب نامه مستر اثر • و حمایه نصرت و ظفر
فرلری و اصل • اولغز کلانی ط باعث • و فر
انسیا ط سبب حادث • اولقدن صکره راک **ر**
حضرت پاشا • صورت فرمان پادشاهیه هویدا
اولوب • قلو سکوتارک عمارتی • و خراب و بیاب

اولان یرلرینک اقامتی. خصوصاً نصب هر سه
 و میرلوا. و ضبط و صیانت محاببت نما. لازم و
 ابدوی اشکارا. اولوغین. دامن همکدری
 در میان. و قوت و قدرلرینی شارالیه بالیان
 ابدوب. بوهمی دخی اتمام. و قلو، قلوب، تعمیر
 و حفظ و میرلوا ایل عمارت انجام. ابدیلر.
 پس صاحبان زمان علیه الرحمۃ و العفو انک.
 ابتداء سلطنت. و اوایل خلافت لرنده صادر
 اولان خسرالری. کمر فتح قلو، بلوغا دور. اول
 حرفی با و انتحاء جلادت و صلابت. و حال
 و غرمت و شها و لرنده. وجوده کلان فتح
 نصرت ارالری که اخذ کتوار. بولا و دنیا و.
 اول حرفی ^س اولوغ تا تف غنی حسابدن

بسن لفظ اشارت لاریبی در واول ^{فلک} ^{بند}
 ماعدا آخر فکری که دال و را در ترکیب اول نشه
 کلام تام و بس در لفظ اشارت است
 انجام در وهربری که التیشیر جمله مکتوب
 و جمله سی و ن ایکی برج جایی اوزده محسوب
 بیست و ن ایکی آغی ترالینه و بر سبط
 و خلافتده آفتاب کردون کبی عظم و انما لینه
 دلیل مرغوبدر ^ع بون و چوق کنه وار و رای دانا
 حق بود کرا و لومان خدماتک اداسی و بو
 آنه کلنج صاحب قران مغفورک اخفاسی ملک
 اقدمن دور آدم و دور آدمین تا بود
 کلنج بروزیر دانا میر ^س و لمشدر و بر
 دستورکشورکشا پادشاه معدومک نامیده

بو کو نرفته و حضرت فطر بوم شد در اول ذات
شبه بیک فرآست و صداقت ندن و شهادت
مغفور کرامت و ولایت ندن در که دست
تقریف حضرت پاشا لشکر نواز و کشورکش
اولوب کویا لک معارض خشیت ایلد دلگری
برین و بینا لک روعیال دهشتند
و دیده لری پوشین اولدی
و عیسون کسه و زارند ر بو
یا ولایت یا کرامت در بو
حق بلور صبح کبی صا و قدر
دو جهان دولت نه لای قدر
فتنه دن صعلدی عثمان تختن
ویرمیدی بیک سلیمان تختن

۴۳
حق تعالی انی سرور انسون
یکی عالم مع معمور انسون

بهرین هر نه ایسه مقصودیه

هیج دریغ ایلسون معبودی

نوله عالی قولنی شاداشد

قید غم بنده آزاد است

عسرم اولدی دعا لقم

ذات پاکینه شالار قلم

مجلس سادس آد پشاه زمانک ابتداء سلطنتی

و حضرت سلطان سلیم خانک اعتلاء خلافتی

خصوصاً عاکر منصور نک غریبی و خان

کیتی سانه موصلتی بیانش در

اقتضاء سپرد و آرد و اسدعاء کرد و شایستوار

که گاهی مرآت عالمی. اشکال سعادت و سرت
 تابدار. و گاهی آینه خلقت بنی آدمی انفعال
 و محنت و فنا صور طریق اشکار. امکان حال
 و کلد. هر آینه آیین عجیب. و قوانین غریبه
 سندر که. مائمه مست. المسمه سلطنت
 فراقته و صلت. احتراسه سلامت. کریمه
 کوله لر. نوحه نشاد اوله لر. کرکشان خدایان
 کرک بندکان و کدایان. **نظم** سیر اولیه
 چنین بنوشته فرمان زاول بیابان
 یکی بر تخت سلطان یکی در تحت پنهان
 نخواهد کامرانی حکم این و آنی
 نشان بی نشانی حیات جاودانی
نثر چونکه اول مرحوم و مغفور. علیه الرحمه. الی لوم

244
النشور • جو سرحیات و زندگانی سنی
بود هر فانی • و بدن خاکدانی ده نغم قلدی •
و دبیر تقدیر بانی که • اول شهر عا و ملک
خاک ریز اولان وجودنی • کارگاه اشباح
و تعلق وستی دن سلدی • عالم بر جان نرنده
و بر روان نرنده • دو نوی سحر سلطنت
جهانیا نیک مهر کما سی • و دو دمان دیوت
عثمانیا نیک شمع نور افزای • دارا و آت
سکندر مرآت • هوشنک حکمت • جمشید
صحبت • تهمتن رزم • کیقتا و بزم • مائون امان
فریدون توان • کیومرث کام • سیاوش عظام
کجهر و رکاب • کی بهمن جناب • کرامت یار
جهان سایه بلج • فلک دستگاه • ملک

بارگاه • سلیم استحقار • سلیمان مدار **نظم**
 کشورستان بلند نشان شکوت آسمان
 بهنام جدی حضرت سلطان سلیم خان
نثر اللهم ابدد دولت • بقوة القاهرة • و
 اید رفعت سبطه الزاهرة • و رکاه عکاسک
 غبارینه • بو غبار امنیر خبر لک عرض اعلای
 اتم والزم اولدق • تدبیر قبضه سنک سیف
 قاطعی • وزارت سپهرنیک نجم لامعی • کارزار
 غزائک شیری • ندگاه هجائک دیری • خزان
 سلطنتک امینی • وفاین خلافتک راست
 بینی • مشکلاۀ انامک عقدہ کشا سی •
 و مهمات خاص و عامک طرفت نمایی •
 صادق الاقوال • رایتی الافعال • لا زائل

مسروراً بعناية ذي الجلال • وزير عظم بامدار
حضرت محمد شاهي كاكهار • رأي پوشيده
و تدبير ناشنیده لري اوزر • ماوقع عرض
و اعلام • و امور سلطنت و مائتي اعمار • بهر قدر رنده
كنز و ترك ساز و ار قديمي • و كاتب امرار سفي
خواججه بان ثاني • من شيان بلاغت
نشانك دشتاني **نظم** فرید حیدر ذي فطنت فریدون فر
و طبعش بعد الله مراد پسر
زبان خامه ست اما بنود از سرادك و با
خطش چون مسك الادب سریم زار با
بو پیام مائتم شعار • و كلام خلافت و تاري • بر طر
املا و انشا ايد بگره • قلم و دست غيري و لره
نقل و نمدی • و بواسر لازم الاستار

صحایف فکرت و تصویره • رجم کی پریشان بولندی
 شوبله کیم ایلدی سان فلم ممکن اولمادی امتحان فلم
 کورمدی کسی حرف اول غلط یا کردین مخسان فلم
 نشر بومنوال وزن مکتوب و مکتوم • ختم سیارت
 خاتم مخنوم • قلندقدن سکره برعزت • بهریت
 هدر هدایت • برجانش صحر حلت • اول تلق
 طریقه ارسل • و سکواردن کوتاهیه به یاکنز
 سکر کونن ایصال • اولونوب مرآیای خواطر
 غباری • و سرسلطنت و خلافت انتظاری
 معلوم هنر باکلری • و مفهوم طبع چالا کلری • خصوصاً
 اول نامه صدقت غنون • کتاب مرقوم شین المقربون
 فحوائی شریفه مقرون • اولغله اول وارث ملک
 سلطنت • و باعث نظام ملک دولت • احوال و

۸۶
انقال خفت . وزحمت ایلغار حصت . بیورب

همای هما یون نامال . جبال عاصیه . و نلال متفاسیه .

قطعت میال . و صبا ی طراوت نمون میال .

نخ بیدای شاسع . و صحرای و آسع . طینه ^{الانقال} سریع

اولمعد سده اربع و سبعین و تسعمائیه . ربیع

الاولک طغوز نجی کونده که دوشنبه ایدی مدار

سلطنت مرهونه . اعنی پای تخت هما یون . انصال

خلاف مأللی میسر اولوب . سر بر سلطنت و کار

که جلوس شرف مانوس لرینه مشرقب . و خزانة معد

کیمی سنان که شان شریف مستر رسالرینه

هر وجه مسترب اولمشدی . اول ورسعید لازم محمدیه ^{نظم}

بر در پی دریادن الوب در کنار ایدی همان

فالمدی طوفان غم خراب مآمدن نشان

فلک شاهی دست قدرت هر کورک انگشدر
 پادشاه دهری ال و زره طائر بر روان
 بندن اول سن کنار اندک دیو اول هرور
 تحت شاهی قلدی فلک بجه رشک کبریا
 تحت سلطانیه بقدم اندکی شئی تحت سن
 بویل بولق روزکاری بویل در دور زمان
 نشر محمدی سطنظیه • صانها اند عن البکده • بوجه
 جلوس هما یونری • وقدم شریف خلافت بولق
 ایلد مشرف اولدق • مناشیر صلابت رسان •
 و طایفه شبارت عنوانری • اطراف واقطان • و
 ممالک واقایم و دیار • پریشان اولوب تبدیل
 سکه شاهی • و تحویل خطبه پادشاهی • فرمان
 اولدق • میر میران اولان ذوی العتوان • و میران

47
اکناف آبادان زوربانوی قوتلرني اشکار
وروی نیروی شجاعلرني بساط تدبیر و همت
القا ایدوب سک حکومت خسر وانه ده کی
مالکی و ملک خلافت پادشاهانه ده کی
ممالکی هر وجه محفوظ و مصون و کمران و ست
بیداران اولان اشراک حضرت و کزندگان
مخوس و مائون اندکلرین ماعدا اشرف بلاد
و عظم سواد اولان خطه بنام و حیاطه لازم
الکرام اغنی نام واجب التشام که
اطراف و جوانبی دشت سواران و اکناف و سب
عربان عرب جوان اولوب هر جهله رحه
و لصوص مفسدیني لا بعد اکین ~~سرایه ناوانک~~
و آنامسی و نفاة عطا و روشناسانک کشتور

ارآسی وزیر علی شجاعت مشیر فرآست
 و قور صاحب کلام و سیر بلاغت پیام
 آصف صفوت ارسطو سطوت شکر کهنار
 ستوده اطوار و آلا و لا و لائی ادا بفعل
 وزیر فخر اولان لآل مصطفی پاشا اول تا یکن حکم
 شام و میر میران لازم الت شام اولمغله نیر
 تدبیر لری پوت، اصابت پوت و بیع شهرت
 شهر لری میان حفظ و حر است میان بسته
 خصوصاً برآیدن زیاده که سوار و کا هی پیاده
 ماه عالماب کبی شهر کنی کشت و گذار و شام
 تا سحر سوراق و اسواق شامی صیانت
 بشمار استیکلری سبیدن
 فتنه بیدار کنور آید مدد قالدی سرخوا خوف خسته

شویله یانیدی مشاعل تبر فامدی کنج طلیمده
نشر خصوصاً تاریخ مزبور ده قبودان. و شه شکر
 نصرت و نظر عنوان. اولان اکرم وزرا. انجم عظماء.
 دریادل. عارفی معادل. آتش انداز
 جزایر و قلاع. و نعره پرداز نوای و ضیاع داماد
 پادشاه کیتی پناه. و حلقه نوازه طودستگاه
 خلک فراشتک نوحی. فلک صداقتک روشن
 فتوحی. بیالک سیر نرنگاه نرا. وزیر ثالث بیالک
 پاشا. بعض جزایره شکر حکمشدر. و فرنگستانک
 بواوی تفرقه اردو شکر. اید **نظم**
 بمن جلو سر شاه جهانک سرایتی
 و کمشیدی سریره علم فتح و نصرتی
نشر و الحاصل اوج کون عام. استراحت و آرام.

بیوریلوب. ناوره دان فیلسوف زمان. علامه
 زحشری فضیلت. سیدالعلماء. سیدالفضل.
 عقد کتای نام. و ملجاء و ملاذ خاص و عام.
 قطب پهنایل. محور فلک خضایل. شفا
 بحر. بحر لازم التوفیر. اعنی به معنی وجود. حضرت
 ابوالسعود. لازال مسوداً. بمکارم الوجود. و سایر
 موالی عظام. و پای بوسخت سلطنته سزاوار
 اولان انائی کرام. موهبت تقبیل الیه تجیل. اولوند
 صکره بوجه الاستیعال. لا بطریق الامهال. نیکگاه
 ثانی. و خطب شکارستانی اولان محروم درنه
 حوسها الدعن قرآت الازمنه. شرف قد و طریقه سعود
 و موهبت مجود لریله محض نکاح معمود. اولوند قدن صکره نظم
 عزم اندر عکره عرض جماله. بولگوده که عطا یله کاهی جلالت

۵۹
همایه بر خواص بیدی انجی کزیده از قاشیدی زره پی افشایده
نثر والی مسلک کاهی خواجه ادیب. فاضل لبیب
حاتم کف. سید شرف. سعد الدین دوران. ابوسعود
زمان. محض عطای الیه. اعنی عطاء الله افندی الیه
شیرین موانسلری. و کاهی عارف موشکاف
کامل کمال و صاف. مصنع کلام. مضع پیام
خیال خیال. هلا بی مال. اعنی حلال بکت الیه
زنکین مصاحبسلری سبقت. ایدوب آخر الامر کونده
بلغزاده و صول. و مرحوم و مغفور او تا غده نزول
و دخولسلری. میسر اولوب بوجا بنده دخی و الا قدر
اعلا سر. بو بکر خلقت عمر عدالت. عثمان بانی
علی شجاعت. دافع الاشکال. با حسن الحال
رافع الاختلال. با بلع الفال. دستور اکرم

آصف اعظم. مشیر محترم. وزیر محترم. یعنی هجرت
 محمد پاشا. عا کرنا متناهی به رهما. و حیوش
 منصوره. شمشاهی به پیشوا. اولو فقا فقا.
 وسفا اسفاره. سکوار جانبدار منفضل.
 و مرحوم و مغفوک جسم بی روحی به جان عالمه منقل.
 اولی کاهی لباس حیال نمایان. و کند و لرغونک
 پانچ اچانا روان. اولوب بروجهل اخفا.
 و ستر ستره نابیدا. ایلر لکه. کهرشی مرحوم
 خداوندکاری زن صانوردی. صحت مونه واقف
 اولانلرده. بوا و ضاعی کور محنت انا نوردی.
 القه قرق دورت کونک خزون. و رسم و عید
 مدفون اولندقدن مکره خاکدن بیرون. و سر
 تابوتنده صاحب کون. فلکوب شول مازدک

منصوره سلطان کبکی سنان. حضرت سلطان
سلیم خان. قدومندن خبردار اولوب بر مقدار
شاشتیلر. والا دخی مرآت تصویریری غبار.
رشدن قورلمدی. و آینه تفکریری زنک
امرآدن مبر اولدی. آخر الامر کربنی کران.
سواران و ناسواران. ایرته سی او تاع همان اطراف
خیمه زنان اولدولرنم. سلطان تهاب او تاع غنه
میرنش. و اسباب سلطنت و خلافت. صاحبیه
و اصل اولشن بولنوب. بی شبه جان عالم
معلوم. و میت مجسم ظاهرم و مفهوام اولدوغی کبی ^{نظم}
عسکریره قن صالدهی همان عسکر اولدی کوننی یارو
عرب اشک فرادان ایچره. کشتی نوح ایدی طوفان ایچره
تختدن ایریلوب اول شاهان. اخیلا ایلدی تخت روان

والی اسل عا کر ملا مت نمون . ملول خوشن .
 و بخون . و صماخ مغفور خزون . انک میت و انهم
 میسون . خطابنه مقرون . وزیر نادره دان .
 حضرت پشای کاروان ایسه مرحوم مغفور
 روحانیتدن . و پادشاه کیتی پناه حضرتنک
 التفات و عزتدن . هذا يوم ينفع الصادقين
 صدقهم . ان شاء الله منطور العیون . زبیه
 تدبیر و بجزت افکار . ان ذلک عبرة لاولی العباد **نظم**
 خصوصاً شاه عالم طو ندیک مائمه
 جهان سلطانن خزن اولدی حرم
 اکوب ایامنی مرحوم شاهک
 شب تانده قالدی دو واهک
 قتی نادر ای غافل بو حالت

کله بر بیره شادی و ملالت
 نشر و قتی که مکننت و جلا دندله مقیم و سرچه
 نوکل و محله سدیدم اولدوغنی کوردیلر غشیره
 بی و هم و بیم اذ جاء ربی بقلب سلیم ملاوتی
 ایل اول شهر بار لازم لاهتر املک خاک پای
 رخشنه هر وجه تعظیم و تکریم جبهه لر بی سور دیلر
 چونکه اول اویاغ سعادت قرین و بویچه خزان
 بی کران و اسپین شرف نزول لرله مشرف اولد
 و قدوم محنت دخول لر یل اویا کیدن زیاده شرف
 بولدی همان اول کون و زرا عطا و علما و سراج
 ماتم جامه میرز عمام اولد قلدن ماعدا پادشاه
 سلیمان اوزنک دخی بی سیر و قرار و نی
 دزنک شمل عز و غمی اطهار و شمله مایه

اختیار • بیور و بصلوات مغفوری او تمام کونده
 ادا • و جناب واجب الوجوده عالی مرتبت
 و انما • فلدلری کی بلا تأخیر و اتمال • مرحوم معصوم
 میشتی ارسال • و حمیه قسطنطنیه البصیرال • ایچون
 فرمان واجب الامتثال لری اوزر • وزیر عالی
 جناب • احمد پاشای کامیاب • و اول غرای
 نصرت مائل • دعوت و اشتغال اسمذاد
 بی مسائل • اولونان عمده الرئاء • قدوة العباد
 فاضل متصوف • کامل متصرف • سر حلقه
 سالکین • حسر پشیمه و اهلین • علوم ظاهریه
 ممتازی • و فنون باطنیه کاشف رازی •
 چراغ افروز خلب لغتین • شیخ مصلح الدین بن
 شیخ نور الدین • دامت ارشاده کما وارت

۱۹
۶
اوراده. و مرحوم شیرک مسطوری. و افغانم و
اکابرک مسکوری. مرتبی بلغا. فرنا و اغا. و بعض
خدّام. و خدمه لازم الحاشام. و شلوپ منبر
معهوه مقرون. و جامع شیرعلزی جوارنم
مدفون. ابلدیله. رحم الله علی من قال. رحمه الله
علیه فی جمیع الحال. خصوصاً شمع جمع دو دمان
و چراغ افروز خاندانه. اولان. مصلح الکلب
مولانا شیخ مصلح الدین. نور احمد مرقد حضرت
قطب دایره کون و مکان. و کوهر بلند اختر کانت
امکان. مشایخ ماوراءنهرک آب روی. فضلا
بتحریک یوزی صوبی. و اصلینک محرم امیر
مولانا امیر شمس الدین بجاری. مدتی سره
خلفا سندن اولوب. مرحوم معنوز سلطان سلیمان

خان عليه الرحمة والعمران • حضرت لری بعض اوقات زیارت
 کیدر لودی • و دامن همکزنه تثبث ایلہ اوراد •
 وادکارندن استمداد • ایدر لودی • و باطلہ
 طریق نقش بندہ نک عاشق سر بازی •
 و کارخانہ و کرو توحیدک برو جھل نقش پرواز •
 ایدی کہ جسم زرد و ترار لری • لذت یا ضلہ
 بال مومنہ و نموش ایدی • و پنچ زایرین و جاورین
 لیل و نهار • پروانہ و آرز • چراغ ہدایت نثار لری
 نور الموعود و نموش ایدی • پس اول غنیز کرامت
 و ثمارک • خیر خلف ارجمندی • اقربا دن کلیبولی
 مولانا • درویش افندی کہ کلیہ روح مالک •
 و تصفیہ قلب طریقہ سالک • اولوب کچہ درویش
 و لریشہ • دست عطا یلہ مرہم اور شدی • و از آن

۵۹
غریب پرستو نشین. انواع خود و سخاوت فریاد رس.

اولمندی. علی الخصوص بر زمان فراز منبر.

سه محفل خطبا. و کسان ادوار و بیل نوروز.

بکبی کویا. اولوب خطابنده عروج زاده سبک.

مواجهن بوشش. و مخبر قوللری مقام و مجلس.

حاضر اولوب غرض و لریته. درون دلدن قول.

اولش ایدی **نظم** قلمینه برده خطبه به اعزاز.

صانکه بیل و قوردی کلشن راز.

منبر اوستند بهر کورن دیر ایدی.

کندی کبی صد اسیده مناز.

نثر و بر زمان التفات پادشاه. و احترام.

مقربان در کاهله ذات پاکلری محراب نشین.

و عمل در اکلری پیشوا، کرن. اولوبن بیلدن.

اوقات فخره حاکم و آماده خدمت امامت
 عواقب و کسب ساده و نماز و نیاز باغده
 قاضی قاضی پایی بزم شاه دن ازاده
 سلطان سلیمان خرم و مقتدا خاص بجز مقتدا
 خاص پیشوا صادق الاخلاص اولوب ائمه
 سابقه دن فایده بکسره و مقتدا یان ساله دن زیاده
 رعایت معارف اولو شلرایه **نظم**
 بکسره خرابه اولو خسته صدا اقدار الله شاه عالم اکا
 یکی کوشن کردی کل کبی شاه بیل آسا او قودی اولو کوبه
 کچه نعره رس زنج نایل اید ایغن طور شاه کل اید
 بیک هر کسند ختم الله نه او شسته سوره کتم الله
 رحمت اولو دی پادشاهیم ذوق ایدری صفا سور و تمام
 نه نیاز الله پادشاه دن اول هر نیازی بولوروی بزمه بول

54
کرنیاز الله کر نماز او هم نام او پریدی و پادشاه بنام
شهر چونکه چشم رجایه احسان بنی کورش و دست
تمایله سفره نعمته ال اورش جسمک هر دزه
مهر بملک و وجود بوش و اسکنک هر قطره
اقاب تربیلک در و کوهر اوش برداعی حر می
و پیشوای حر می ایدی فلما جرم پادشاهک حفظ و
وصیاسته اهتمام و تابوت عالم تباهنک محمل
و میکنند اقدام اقدام قیام و مت حلت در نه
قرض و عبادت عبودیت گریزه واجب الادا فرض
اولی پای نخه کلجی همراه وادکار و اوراد و
رفیق هدایت کواه اولش را ایدی بعد از آن سلطان
جهان و شهر بار فرمان ران ابره به مهر
برین تابان و خیایای زمین زمین نمایان اولدو

کبی دیوان جمعیت روشناسان بیوروب
 اکابر و اعیان و عطاء عالی شان بوللو بوللرخ
 و قوللو بوللرخ پای پوس سر بر سلطان خندان
 و شاهده، طلعت پادشاه زمانه کاران
 و شادان اولد فکر سینه
 ز کوس سعادت برآمد
 که ای نامداران دشت غمزا
 بر آراست سلطان سلیم دوم
 سر بر سعادت بی انشتم
 جهان نوجوان چو بر کطری
 طراوت گرفته هم سر
 نقاشین ساز شکافه درست
 شده زن سلطان سلیم نخست

نشر بوموال اوزره عاين انعامي بيداء همنه جاز

• و زلاان نوال احساني دريغ واد پلرندن عاري •

• اولوب ساكربي كران • مكاريم مي غايه لرندن بهره ر •

• وجود بكار كران • بخشش بي پايان لرندن •

• اوليك لسم رزق معلوم • فحوا سنجي كامكار •

• اولدقن صكره جا يگاه سلطنه غرمت • و •

• تحكما خلافت توجّه و رحلت • بيوريلوب مرواريد •

• و عبور اونه • ايله وصول و دخول لر مي اولدقده **نظم** •

ينه دريائي سكر ايني غوشش

ينه روي زميني طندي چوشش

سپر آيينه سني ضيا و بردي

تا بش مهربون غنا و بردي

كيدني بوكلكلو او سكوفن مردان

بچه قوبر فلو بلدز اولدیس عیان

وشنه خشنل بر اولدیس هو ا

کوکن ایشندی حضرت عسیا

نظم والی سل وزدا و عطا کبر اعلما خوصا

اعیان وارکان و دفتر داران و روشناسان

لایسمه اسر پوشش مهر خروش چاشلر

و دربار نسیم پیرو بکچر بلر خا مان کر ازان صوافکر

شنایان جلوه گمان بیکلر مرصع رخت مساعده

سپاهیلر تیغ کبر تیغ تیر کبر للاحدارلر

جنک شناس سرنک لاس علقه جیلر جکر دران

ولاوران غریبیلر صدای شپور و نفیر و نوا

صورتای صورتائیلر صف صف طرف طرف فرقه

فرقه نعره مره سواران و ناسوران بریاد شاه

هکان

جهان بناهی در میان المیشکره **نظم**
 پنج سکون انکار آبادان بدی اقلیم حکمی اولدی وان
 ظل حقدر سحابست در خوشتر کجای سینه خلق جهان
نثر بومنوال وند زید و بنیت • و شکوه و شکست
 ای که سرای عامر لری شرفیه نیت و غریب •
 بورد قلزین • عاملر کا ملر فاضلر عاقلر دانالر
 مشکل شالر • دمانت بزمنک شمولری • وراثت
 شمعنک لولری • ارکان دینک عماد لری • بوستان
 یقینک شمشاد لری • بزرگ دسار لری • مابه
 الانفتار لری • تکر استیلر • بلاغت کزینلر **نظم**
 هر بی برکادران فیلسوف باشد لغمانی عمامه تنزه صوف
نثر بونکردن ماعدا • اعیان ولایت • و کبار و صغار
 رعیت • جوق جوق دعا لری • فضل فضل شالر • ایل

استقبال • و هر وجهی است از واجلال • صد دنده

ایکن • ناکاه • بر بارگاه سعادت پناه • و درگاه

عظیم دستگاه • صدف و آبر • اول گوهر گمانک

قدومنه اغرا چدی • و عسکری کران انکب حلال سنی

کور بخ کنزدون چدی • و باطله مفتحه لسم الابواب

سنة مزبور ایا مذن بر مبارک کونند

تکرار تحت خلافت • و بر سر سلطنت و مسرت

جلو سید کامکار و کامیاب • اولدیر

ظلمت پر یوزن الکسک

کونی کوندن یک اولسون اول ماهک

فتح عالم سیر اولسون اکا

جند آدم سحر اولسون اکا

ایر سون سیر بوشل یکه زوال

کونند

کوزلسونلر تحببانی چون م و سال

مجلس سابع سبب تالیف و تسطیر و خاتمه رساله

نادر النطیر علی الخصوص مولفک عرض عالی و عالی مهرک

بخت نامشاد و بدن شکایت پر طایب شکر خنده در

بردم که شدت شتاد چتر ارعالمی خشک

و مخترت سرما اشیا نه بلبلی پرواز کا کجبتک

انگشادی خوصا برف و باران زمین و آسمان

ما بدینه برودت بر شادی و آسب صر

ز مسان چوق نھال کراز آس

آتشگاه غربت و فساد و دود و یمن شادی نظم

افتابک بندی تاثیر ایلر ذمی صر

ایر کوردی برفه خاکساره فان بره

برخ و کل با مک کتار نه کورندی و بشکر

خند فکدی خانه لرا چهارون سر مره
 نثر انک کپی از مان سرود. و آوان پنج و بر دوده
 کلیسوی خاکنک حاصلی. و معارف کلستانک
 و اهللی. مصطفی بن احمد نام. بو حقیق عالی شهره
 و عالی کلام. ملازم دیوان سلطان. و موافق
 آسان کیمی آسان. نیتی ایلد محروم سینه
 حمیه بهیه. اعنی بلن مستطیند خاور لرزدن شکن **نظم**
 نه مجال اولدی عرض حال قلم
 عرضی عرضد استغاثت سلم
 نه مرتبی بولوند یکم ایلده ده
 بنی یوان شاه و اهل اسل این
 مانع رزق اولوب حجاب بکا
 هرگز ادمادی فرج باب بکا

برکاشد ششاسمی

برکادن غریب علی

اودنی اود بهاسنه الدم

وارلغم خرمینه اود صا آدم

آلک وشنه بی بدوب تاثیر

اونیدو شب بری فکرم اولدی

و باطله نخ زمان بو طریقه کتیب کرکمان بیت

اخراجن نالان و معیشت مخلسنه سرکران

خصوصا در درج عظمی و دری اوج خلافت

مردم دین عالم مخدوم پندین بنی آدم

وارث ملک جهان باعث امن وامان فلک

رفت ملک سیرت آفتاب رتبت

افراسیاب شوکت نوین فریدون قدر

نوابین همایون صدر عثمان بخت سلیمان بخت
فرزدار چند شهنشاه کامران

شهراده لکرکزی سی سلطان مراد خان

یار بحال و موفاتین بردوام شل

عمرین مدآم و دولتی مستدام قل

ختم شانانه لریله مخنوم و نشان شریف جاودانه

لریله مرسوم اولوب اولدی عالی قیوم ثنا خوانی

خاطر محزون سویندک آنی بهمند اوله سینده همت ابدک

اچی سینده بدل زغام ابدک مصمونه مقرون شفقت

نامه همایون لری محفوظ و مخزون دل و پرانم ایسه

ملول و مخزون اولوب طور کن تاتق غیبی حنا بندن

اشارت و ملهم لاریبی قبلندن بشارت اولنوب

و دیلم معرفت رفیق کدر عرض قدرت بولک طعنه کدر

استکار ایلک شمع عرقانی تار مارایت ظلام احراقی
 ایل انشا کھرین پیدا دکلسون آنی حضرت پاشا
نشر بوالقاء سبحانی • والهام ربّانی • مقارنتی
 ایل مادّره زمان • اعجوبه دوران • اعنی فتح قلوب سکینوار
 واول کونلرده ظهوره کلان تدابیر کرامت شعار •
 سرپا اطاوانت قلوب محبّه عالمده برقرار •
 وجرین قلوب بنی آدمه برکدار و یاد کار •
 قلمیق مراد اولندی • که تخریر باعث عبرت • و محض
 پند و نصیحت • اولوب امور و زاریت و جهانداران
 بونک کبی برکار صعبت شعار • و دشوار ظاهر
 اولدقده اکاکون تدبیر • و حوادث مشکله
 شهبیل تنبیه الیه لیر • بومنوال اوزن حایه بصیرتم
 دربان • و مداد بضاعت در یکب فرأوان •

ابدوب • هفت مجلس نام • بر رساله بدعت
 انجام • سمت تصفیه اتمام اولوندي • و ^{بالفعل} ~~و~~ ^{نظم}
 جواهر معاني سنده انتظام بولوندي ^{نظم}
 هفت مجلس هنر فلکدر بدر
 خطی شبدر بیاضی کوندز در
 سرخه حله یاز سه اگر
 باغ نثره مهب دور کوز در
 بویدی مجلسک نفایسی خود
 سکرپی اولغیده از اوز در
 نشر امیدوارم که اول مهر سپهر وزارت
 ماه فلک عطیت و جلالت • اعنی به حضرت
 پاشای اعظم • دامت سعادت بمواهب المکارم و
 اللهم • بو هفت مجلسک مقدار فی سبع سماوات دن

برتر • دعا آئی قولدر نیک استھار فی • بواسطہ
 ایلہ کون کبی روشنا و انور • سورہ لکہ **نظم**
 ایلدم زندہ نام پشانی ساع حشرہ و قیامت
 جو قیامت اللہ و لکہ تا اوتوز قرق بیک نعامت
نثر بنم کبی خاک سار • و بنہ زار و نزار • قلت
 اعتبار • و گرفت افتقار • ایلہ بذل افتدار • ایدوب
 خوانہ و ہمدہ کی معانی کھر لر فی الخاف •
 وزوایای فکر و اشتعال وہ پنہ کو نذر •
 ریاضت و اعتکاف • ایلدم • حاشا کہ اول کارم
 سپھر نیک نری • مراجع و بار نیک خبری •
 الطاف بحر نیک کوہری • احسان ملک نیک
 مہر انوری • عطا بر منک صدری • سنا مجلسک
 والا قدری • آصف اکرم • مشیر افخم • سہری اعلم •

جوتی احکم۔ و فور محرم۔ دستور محشم۔ باعث نظام
عالم۔ ہمام کزین بنی آدم۔ حضرت وزیر اعظم
و معظم۔ لازال محفوظا بعناية الله الا قدم۔ او مدو غدن
زیادہ عا یلکر۔ وزعامتدن فضلہ مملک و عا یلکر یو یلکر **نظم**
کرک اغلت کرک شاد ایلہ

آستانک ترا بد عا یلہ

نظر ایلر سک اگر سلطانم

وانی ناکبی کبی اولور عا یلہ

کر او فور سک جواہر سخن

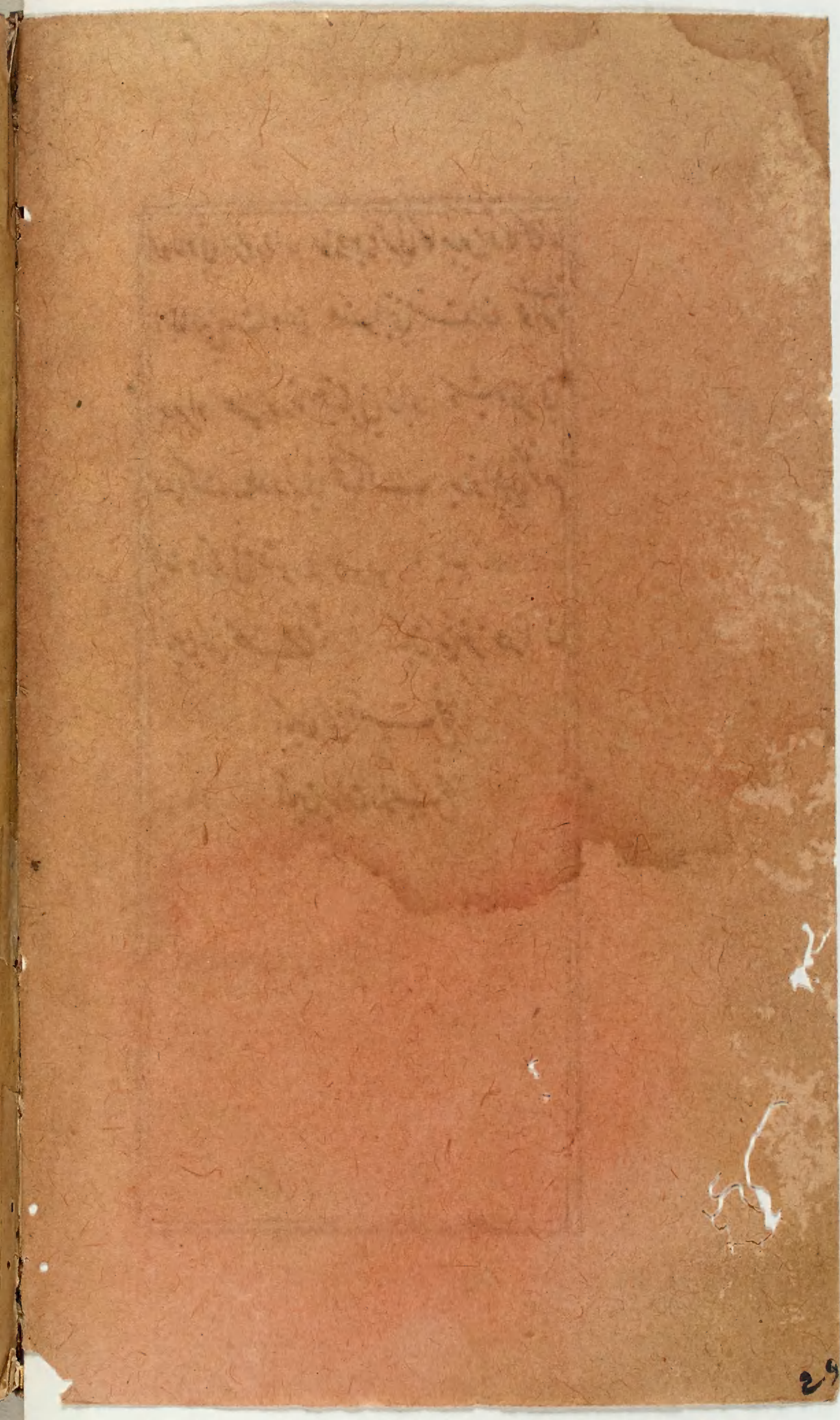
شہرہ منظم اولور عا یلہ

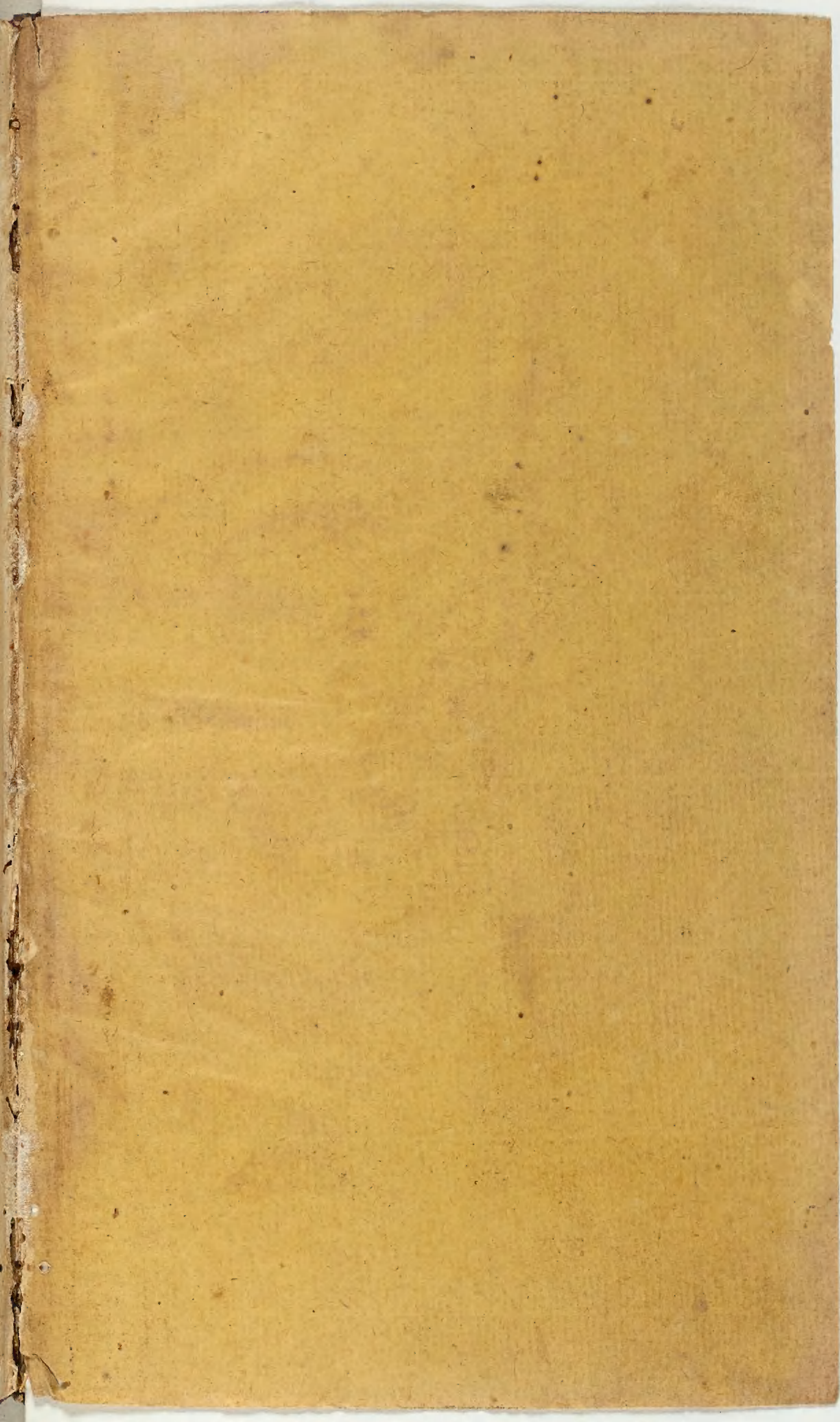
نثر بار خدا جل و علا۔ دایما اول وزیر دانا۔ و شیر

کشور آرا۔ حضرت نیک لباس و لبتی دایم۔ و اساس

رفعتنی قائم۔ عشرتی دراز۔ ذات پاکنی محرم راز۔

اولادني بر خوردار نوزدين لربي كامبين و كامكار
 ابتاعني شادان منسوباتي خندان فولكر
 بر مراد حضور و رفاهي لربي زياد دشمن لربي
 هلاک عدو لربي غمناک بدخواه لربي مغموم
 کينه دار لربي مقهور و مغموم ايليه
 آمين بچي صحت قرآن آمين بچي فخر عدنان
 آمين بچي استر فتح
 آمين بدان رو بفتح









Ms
URC





